

فرا ترکیب پژوهش‌های مربوط به نظریه ولایت فقیه

در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور

محمد مهدادی مروجی طبسی / دانش‌پژوه دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ mh.tabasi@iki.ac.ir

صادق کریمزاده / استادیار گروه علوم تربیتی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ skarimzadeh@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۶ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۷

چکیده

هدف از این پژوهش، دستیابی به نگاهی کلی در زمینه وضعیت و جایگاه ارزش ولایت فقیه، در اهداف و محتوای برنامه درسی رسمی است که با رویکرد کیفی و به روش فراترکیب انجام شده است. منابع داده‌ها، گزارش‌های رسمی از تعداد ۲۳ پژوهش مرتبط با موضوع است که در بیش از یک دهه اخیر در کشور منتشر شده‌اند. یافته‌های فراترکیب نشان می‌دهد که: الف. در پژوهش‌های مورد بررسی، ارزش «ولایت فقیه» در چارچوب‌های مفهومی چون ارزش‌های انقلاب اسلامی، مهدویت، گفتمان دینی، فرهنگ ایثار و شهادت، تربیت دینی و سیاسی و هویت دینی، ملی و انقلابی بررسی شده است؛ ب. اهداف مرتبط در سطوح مختلف هدف‌گذاری، به میزان کافی در نظر گرفته شده‌اند. با این حال، اهداف مورد نظر بیشتر در حیطه شناختی تمرکز یافته و به حیطه‌های عاطفی و روانی- حرکتی و حتی سطوح بالای حیطه شناختی، به میزان بسنده‌ای توجه نشده است؛ ج. یافته‌های بیشتر پژوهش‌ها نشان می‌دهند محتوای مرتبط با ولایت فقیه، از نظر کمی و کیفی، برای تحقق اهداف مربوط از کفایت لازم برخوردار نیستند. ارزیابی نهایی فراترکیب از وضع موجود بازنمایی این ارزش در کتاب‌های درسی نشان می‌دهد که با توجه به تعدد و تنوع اهداف آموزشی، انتظار تحقق همه اهداف در محتوای همه کتاب‌ها، واقع‌بینانه نیست، بنابراین، هرچند این بازنمایی نیاز به تجدید نظر دارد، اما در تحقق اهداف خود تا حدودی توفیق نسبی داشته است.

کلیدواژه‌ها: تربیت ارزش‌های سیاسی، ولایت فقیه، نظام آموزش و پرورش رسمی، فراترکیب.

ارزش‌ها در یک معنا، ترجیحات افراد یا گروه‌ها، در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، زیبایی‌شناختی و معنوی هستند (ماتسوموتو، ۲۰۰۹م، ص ۵۶۶) که بر انتخاب‌های انسان در زندگی تأثیر گذاشته، رفتار او را شکل می‌دهند (بوشان، ۱۳۹۰، ص ۷۸). ارزش‌های سیاسی، تعیین‌کننده جهت‌گیری‌های سیاسی افراد هستند که نگرش آنان به نظام سیاسی موجود و مطلوب، پدیده‌های سیاسی مرتبط و حدود مشارکت در آنها را مشخص می‌کند.

برخی اندیشمندان معتقدند: برای اینکه شخص قادر به زندگی اجتماعی باشد، ضروری است تا به طریقی، دیدگاهی وسیع را در مورد سیاست، به طور عام، و مکانیسم‌های زندگی سیاسی، اجتماعی، حقیقت‌نهادهای سیاسی، رهبران و سیاستمداران جامعه و مانند آن، به طور خاص، کسب کند (افهمی، ۱۳۸۵، ص ۹).

آشناسازی افراد با ارزش‌های سیاسی و پیامدهای پذیرش آنها، در علوم مختلف و با ادبیات متفاوتی بررسی می‌شود. برای نمونه، دانشمندان علوم تربیتی، با عنوان «تربیت سیاسی» و «تربیت ارزش‌های سیاسی»، یا اندیشمندان علوم اجتماعی و علوم سیاسی، با عناوینی چون «جامعه‌پذیری سیاسی» و «هویت‌یابی سیاسی»، به آن می‌پردازند (رنجبر، ۱۳۸۷؛ شرف‌الدین، ۱۳۸۷؛ فروتن، ۱۳۹۳).

نظام آموزش و پرورش رسمی، از طریق برنامه درسی رسمی و پنهان، می‌تواند در تربیت مخاطبان و درونی‌سازی ارزش‌های مختلف، از جمله ارزش‌های سیاسی، ایفای نقش کند و کتاب‌های درسی در بین عناصر مختلف برنامه درسی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (یارمحمدیان، ۱۳۸۹، ص ۱۴۲ و ۱۴۹).

«ولایت فقیه»، به معنای حاکمیت و ولایت فقیه عالم عادل مدبر از سوی خداوند، یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین ارزش‌های سیاسی، از دیدگاه اسلام و مبنای نظری نظام جمهوری اسلامی ایران است (ر.ک: قانون اساسی، اصول ۵ و ۵۷)، که افزون بر براهین عقلی، روایات مختلف و اتفاق نظر اجمالی علما^۱ - از گذشته تاکنون - نیز بر آن دلالت دارد (موسوی خمینی، ۱۳۸۸؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۴؛ آذری قمی، ۱۳۷۲).

از آنجاکه حق حاکمیت منحصر به خداوند است، تنها حکومت کسانی مشروع است که از سوی خداوند منصوب شده باشند. خداوند چنین ولایتی را به پیامبر اسلام و امامان پس از او بخشیده و در زمان غیبت نیز ولی فقیه، به اذن امام زمان علیه السلام برای تشکیل و اداره حکومت اسلامی منصوب شده است. بنابراین، هرچند حضور مردم برای تحقق و تشکیل حکومت اسلامی ضروری است، اما موافقت یا عدم موافقت همه یا اکثریت آنان، نقشی در مشروعیت بخشی به ولایت فقیه ندارد (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۸۸؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹). ضرورت ولایت فقیه، به عنوان ادامه ولایت الهی پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در عصر غیبت، مبتنی بر ضرورت اجرای احکام اسلامی در جامعه، از طریق تشکیل حکومت اسلامی است.

اهمیت این اندیشه در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران موجب شده تا در بخش‌های مختلف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، به صراحت مورد تأکید قرار گیرد (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص ۱۶ و ۲۴).

مطالعات مربوط به انعکاس ارزش‌های گوناگون در عناصر نظام آموزش و پرورش، همواره یکی از علائق پژوهشگران بوده است. برای نمونه، جست‌وجوهای صورت گرفته نشان می‌دهد که چندین پژوهشگر به مرور تحقیقات مرتبط با بازنمایی ارزش‌های مختلف، در نظام آموزش و پرورش کشور پرداخته‌اند. از آن جمله، می‌توان به پژوهش فیاض (۱۳۸۷)، درباره ارزش‌های اسلامی- ایرانی و پژوهش جعفرزاده‌پور (۱۳۸۹)، درباره هویت ملی با روش فرا ترکیب اشاره کرد. حجازی‌فر و دیگران (۱۳۹۶)، به استخراج مؤلفه‌های حاکمیت اسلامی در ایران، از طریق فرا ترکیب مطالعات مربوط پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش فیاض، نشان می‌دهد که کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی و راهنمایی، از نظر آشناسازی دانش‌آموزان با ارزش‌های اسلامی- ایرانی از نظر کمیت و کیفیت ارائه آنها، نیازمند بازبینی و اصلاح است.

بر این اساس، پژوهش‌های متعددی، به مطالعه برخی ابعاد و مسائل مرتبط با آموزه ولایت فقیه، در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور پرداخته‌اند و یافته‌های ارزشمندی را در قلمرو این موضوع به دست آورده‌اند. با وجود این، به دلیل محدودیت مسائل مورد مطالعه در پژوهش‌های یادشده، که با توجه به ماهیت پژوهش‌های مسئله‌محور، طبیعی تلقی می‌شود، ضروری است که با روش‌شناسی دیگری، که به صورت نظام‌مند به ارائه دیدگاه تفسیری جامع‌تری از مجموعه یافته‌های تحقیقات بپردازد، جایگاه این ارزش بنیادین سیاسی در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور مورد مطالعه قرار گیرد. این پژوهش، به همین منظور و با استفاده از روش فرا ترکیب، که روشی نو برای یکپارچه‌سازی مطالعات پیشین به شمار می‌رود، برای بررسی و ارائه پاسخ‌های مناسب به پرسش‌های زیر طراحی شده است:

۱. در دو دهه اخیر، چه پژوهش‌هایی با چه رویکردها و روش‌هایی، در رابطه با جایگاه ولایت فقیه در محافل علمی کشور صورت گرفته است؟

۲. پژوهش‌های مورد نظر، در کدام چارچوب‌های مفهومی به موضوع ولایت فقیه پرداخته‌اند؟

۳. بر پایه پژوهش‌های مربوط، نظریه ولایت فقیه از چه جایگاهی در قلمرو اهداف نظام آموزش و پرورش رسمی برخوردار است؟

۴. بنابر یافته‌های این پژوهش‌ها، نظریه ولایت فقیه، چه موقعیتی در کتاب‌های درسی نظام آموزش و پرورش رسمی دارد؟

روش و برنامه اجرای پژوهش

در این پژوهش، از روش فرا ترکیب (Meta Synthesis) برای گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده خواهد شد. فرا ترکیب، یکی از زیرمجموعه‌ها و انواع فرامطالعه (Meta Study) است که به عنوان یک مطالعه کیفی، به بررسی اطلاعات و یافته‌های استخراج شده از مطالعات کیفی مرتبط با یک موضوع می‌پردازد (کمالی، ۱۳۹۶، ص ۷۲۳-۷۲۵).

پس از تعیین موضوع، جست‌وجو در منابع مختلف، به دنبال مقالات مرتبط و مناسب انجام گرفت. منابع جست‌وجوی داده‌ها در این پژوهش، عمدتاً شامل دو پایگاه اینترنتی «مجلات تخصصی نور» (www.noormags.ir) و «پرتال جامع علوم انسانی» (www.ensani.ir) و برخی از کتابخانه‌های

دانشگاهی بوده است. جست‌وجو با کلیدواژه‌هایی چون «ولایت‌فقیه»، «حکومت اسلامی»، «تربیت سیاسی»، «جامعه‌پذیری سیاسی»، «هویت ملی، انقلابی و اسلامی- ایرانی»، «ارزش‌های سیاسی، انقلابی و اسلامی- ایرانی» انجام شد. در گام نخست، بیش از ۸۰ مقاله، که ارتباط بیشتری با موضوع پژوهش داشتند، گردآوری شد. از آنجا که قلمرو اصلی این تحقیق، به نظام آموزش و پرورش رسمی کشور معطوف بود، مطالعه اجمالی پژوهش‌های گردآوری شده، با هدف پالایش موارد فاقد ارتباط، آغاز گردید که در این گام، حدود ۴۰ مقاله از فهرست حذف شد.

در مرحله فیش‌برداری و تهیه سیاهه خلاصه اطلاعات، با مطالعه مجدد و دقیق‌تر، تعداد دیگری از مقالات، که نتایج آنها کمکی به فراترکیب مورد نظر نمی‌کرد حذف گردید (مثلاً برخی مقالات با توجه به کلیدواژه‌های یادشده و توضیحات چکیده، در فهرست اولیه قرار گرفته بودند؛ ولی مطالعه دقیق‌تر نشان داد که هیچ اشاره‌ای هرچند ضمنی، به اصل موضوع مورد نظر این فراترکیب (ولایت فقیه) نداشته‌اند) و تنها ۲۳ مقاله، علی‌رغم تفاوت در میزان اعتبار، واجد ملاک‌های حضور در فهرست نهایی تشخیص داده شد که اطلاعات اجمالی آنها در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱. فهرست نهایی پژوهش‌های مورد بررسی در فراترکیب

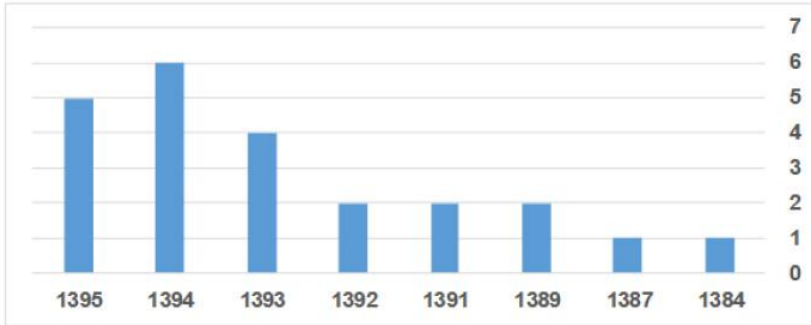
کد	نام پدیدآور(ان)	نام مقاله	مشخصات نشر
۱ *	ادیب‌منش و پروانه (۱۳۹۴)	تحلیل محتوای کتاب‌های درسی تاریخ مقطع متوسطه (رشته‌های علوم پایه) از منظر ترسیم هویت دینی از سال ۵۸ تا ۹۲	پژوهش‌های برنامه درسی، دوره پنجم، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۹۷-۱۲۰
۲	امین خندقی و جعفر نیا (۱۳۹۳)	چگونگی گفتمان‌سازی نظریه ولایت‌فقیه در محتوای برنامه‌های درسی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی	مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، ش ۳۹، زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۳۹-۱۵۸
۳	امین خندقی و دیگران (۱۳۹۴)	میزان پاسخ‌گویی برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی به نیازهای شناختی دانش‌آموزان	اندازه‌گیری تربیتی، دوره ششم، ش ۲۱، پاییز ۱۳۹۴، ص ۶۱-۸۲
۴	آرمند و دیگران (۱۳۹۴)	بررسی کتاب‌های درسی، به منظور ارائه راهبرد برای نهادینه کردن ارزش‌های انقلاب اسلامی در دانش‌آموزان	رهیافت انقلاب اسلامی، سال نهم، ش ۳۳، زمستان ۱۳۹۴، ص ۶۷-۸۸
۵	بشیر (۱۳۹۱)	گفتمان دینی در کتاب‌های درسی ایران	مطالعات میان‌فرهنگی، سال هفتم، ش ۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۳۱-۷۰
۶	پاک‌مهر و دیگران (۱۳۹۵)	بررسی و تحلیل محتوای کتب درسی دوره ابتدایی از حیث توجه به آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران، مبتنی بر نظرات شهید مطهری در کتاب پیرامون انقلاب اسلامی	پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، سال ششم، ش ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۷۵-۱۹۶
۷ *	پروانه (۱۳۹۴)	مؤلفه‌های هویت اسلامی و انقلابی در کتاب‌های درسی تاریخ، دوره تحصیلی متوسطه رشته‌های علوم پایه (۵۷-۸۸)	مطالعات ملی، سال شانزدهم، ش ۴ (۶۴)، زمستان ۱۳۹۴، ص ۴۱-۶۰
۸ *	پروانه و دیگران (۱۳۹۵)	بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت انقلابی در کتاب‌های درسی تاریخ دوره تحصیلی متوسطه (رشته‌های علوم پایه) از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸	مطالعات انقلاب اسلامی، سال سیزدهم، ش ۴۴، بهار ۱۳۹۵، ص ۲۹-۴۲

۹ فراتر کتب پژوهش‌های مربوط به نظریه ولایت فقیه در نظام آموزش و پرورش

۹	جعفر نیا و دیگران (۱۳۹۵)	تحلیل کیفی محتوای کتب مقطع متوسطه از منظر گفتمان‌سازی نظریه ولایت فقیه بر اساس آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران	تربیت اسلامی، سال یازدهم، ش ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۱-۲۴
۱۰	جعفری هرندی (۱۳۹۱)	تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، به لحاظ میزان توجه به مباحث مهدویت	مشرق موعود، سال ششم، ش ۲۴، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۰۷-۱۳۲
۱۱	جعفری هرندی و دیگران (۱۳۹۵)	ارزیابی محتوای کتاب‌های درسی جدیدالتألیف دوره ابتدایی از نظر میزان توجه به مفاهیم مهدوی بر اساس تکنیک آتروپی نشانون	پژوهش‌های مهدوی، سال پنجم، ش ۱۹، زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۱۱-۱۴۰
۱۲	حکیم‌زاده و دیگران (۱۳۹۴)	میزان توجه به موضوع مهدویت و انتظار در کتاب‌های درسی منتخب دروس معارف اسلامی دانشگاه‌ها	مشرق موعود، سال نهم، ش ۳۳، بهار ۱۳۹۴، ص ۱۲۵-۱۴۸
۱۳	خدایار و فتحی (۱۳۸۷)	هویت ملی در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش «مورد مطالعه: دوره متوسطه»	مطالعات ملی، سال نهم، ش ۳، پاییز ۱۳۸۷، ص ۲۷-۵۲
۱۴	خوشی و دیگران (۱۳۹۲)	طراحی و تبیین اهداف مطلوب انقلاب اسلامی (برنامه درسی دروس معارف اسلامی دانشگاه‌ها)	مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، ش ۳۲، بهار ۱۳۹۲، ص ۱۱۹-۱۴۶
۱۵	رحیمی و دیگران (۱۳۹۴)	جایگاه تربیت سیاسی و نقش آن در پیشگیری از رخنه‌های سیاسی- فرهنگی در انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری	بصیرت و تربیت اسلامی، سال دوازدهم، ش ۳۴، پاییز ۱۳۹۴، ص ۱۳۷-۱۶۱
۱۶	رضوی و دیگران (۱۳۸۹)	بررسی تربیت سیاسی در برنامه درسی رسمی دوره ابتدایی	روان‌شناسی تربیتی، سال ششم، ش ۱۶، بهار ۱۳۸۹، ص ۵۸-۱۹
۱۷	سبحانی‌نژاد و دیگران (۱۳۹۳)	تبیین عوامل مفهومی فرهنگ ایثار و شهادت و تحلیل جایگاه آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران	پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و دوم، ش ۲۵، زمستان ۱۳۹۳، ص ۸۵-۱۰۵
۱۸	سیفی و دیگران (۱۳۹۳)	میزان انطباق اهداف کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی، با اسناد فرادست آن	تعلیم و تربیت، ش ۱۱۷، بهار ۱۳۹۳، ص ۳۵-۶۰
۱۹	شهیدی و دیگران (۱۳۹۲)	مؤلفه‌های فرهنگ عمومی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی	مطالعات ملی، سال چهاردهم، ش ۳ (۵۵)، پاییز ۱۳۹۲، ص ۷۷-۱۰۶
۲۰	کریمی قهی (۱۳۸۹)	آسیب‌شناسی تأثیر تحولات سیاسی بر محتوای کتاب‌های درسی تاریخ معاصر ایران (۵۸-۸۸)، با رویکردی تطبیقی به کتاب‌های درسی ایران پیش از انقلاب	مطالعات تاریخ فرهنگی، ش ۴، ۱۳۸۹، ص ۷۵-۹۴
۲۱	مرزوقی (۱۳۸۴)	تربیت مدنی از دیدگاه اسلام: رویکردی به پرورش سیاسی	تربیت اسلامی، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ص ۹۳-۱۰۸
۲۲	مهربان (۱۳۹۵)	تحلیل کیفی محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان، از منظر امر به معروف و نهی از منکر	نواوری‌های آموزشی، سال پانزدهم، شماره ۵۷، بهار ۱۳۹۵، ص ۲۳-۴۶
۲۳	نجار نهبانندی و قربانعلی‌زاده (۱۳۹۳)	تحلیلی بر هویت ملی در کتب درسی (مطالعه موردی: مطالعات اجتماعی)	پژوهش‌های تربیتی، ش ۲۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، ص ۷۹-۱۰۱

*مقالاتی که با ستاره مشخص شده‌اند در واقع پژوهش‌های مستقل نبوده و گزارش‌های متعددی از یک پژوهش هستند.

برای آشنایی بیشتر با فراوانی پژوهش‌های مورد بررسی، در نمودار زیر آمار مربوط به سال انتشار مقالات آمده است:
نمودار شماره ۱. فراوانی پژوهش‌های مورد بررسی بر اساس سال انتشار

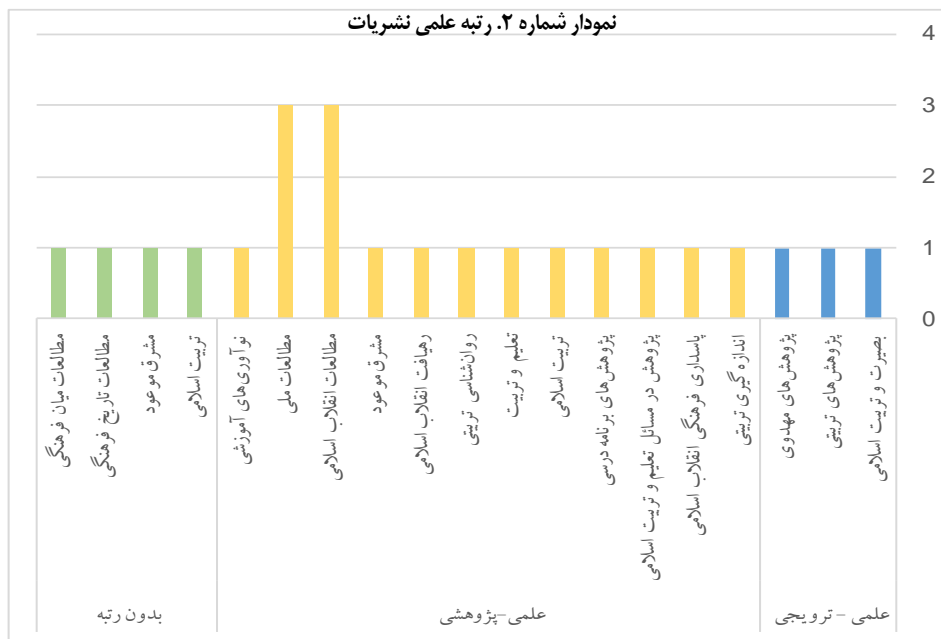


در جدول شماره ۲، اطلاعات مربوط به نام و رتبه نشریاتی که پژوهش‌های مورد نظر در آنها انتشار یافته و فراوانی هر یک، ارائه شده است:

جدول شماره ۲. فراوانی رتبه علمی نشریات

فراوانی	نام نشریه	رتبه علمی نشریه
۱	اندازه‌گیری تربیتی	علمی - پژوهشی
۱	پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی	
۱	پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی	
۱	پژوهش‌های برنامه درسی	
۱	تربیت اسلامی	
۱	تعلیم و تربیت	
۱	روان‌شناسی تربیتی	
۱	رهیافت انقلاب اسلامی	
۱	مشرق موعود	
۳	مطالعات انقلاب اسلامی	
۳	مطالعات ملی	علمی - پژوهشی
۱	نوآوری‌های آموزشی	
۱	بصیرت و تربیت اسلامی	
۱	پژوهش‌های تربیتی	
۱	پژوهش‌های مهدوی	بدون رتبه
۱	تربیت اسلامی	
۱	مشرق موعود	
۱	مطالعات تاریخ فرهنگی	
۱	مطالعات میان فرهنگی	جمع کل
۲۳	-	

اطلاعات جدول فوق به صورت نمودار میله‌ای در قالب نمودار شماره ۲، ارائه شده است:



مرور توصیفی بر پژوهش‌های بررسی شده

در ادامه، توصیفی اجمالی از پژوهش‌های جدول فوق ارائه می‌گردد:

- ادیب‌منش و پروانه (۱۳۹۴)، در مقاله خود به بررسی جایگاه مؤلفه‌های هویت دینی، مذهبی و انقلابی در محتوای کتاب‌های درسی تاریخ، مقطع دبیرستان طی سال‌های ۵۸ تا ۹۲ پرداخته‌اند تا به این سؤال پاسخ دهند که «آیا کتاب‌های مزبور در شکل‌دهی هویت دینی، مذهبی و انقلابی دانش‌آموزان موفق بوده‌اند؟» در این پژوهش، نه عنوان کتاب درسی تاریخ، که به لحاظ محتوایی تکراری نبوده‌اند، به عنوان نمونه انتخاب و بر اساس فهرست‌وارسی محقق ساخته‌ای از مؤلفه‌های هویت دینی، مذهبی و انقلابی و مؤلفه‌های متضاد آن، به روش کمی تحلیل محتوا شده است. این پژوهشگران، یکی از مؤلفه‌های هویت انقلابی را «ولایت‌فقیه» دانسته و «مرجع تقلید»، «ولی فقیه» و «نماینده امام زمان (عج)» را به عنوان نمادهای این مؤلفه برشمرده‌اند. نتایج این پژوهش، نشان می‌دهد که کتاب‌های مزبور، در شکل‌دهی و انتقال مفاهیم مرتبط با این سه هویت، سهم زیادی داشته و توانسته‌اند به طور مؤثر در انتقال و درونی‌سازی آنها ایفای نقش کنند، به طوری که در نه کتاب مورد بررسی، مجموعاً ۳۲ مرتبه واحدهای ثبت مرتبط با مؤلفه ولایت‌فقیه به کار رفته است.

- امین خندقی و جعفرنیا (۱۳۹۳)، در پژوهش خود با هدف عرضه رویکرد گفتمان‌سازانه، به عنوان رویکرد مطلوب در انتقال معارف انقلاب اسلامی، به توصیف وضعیت موجود نظام برنامه درسی، از نظر انتقال و بازنمایی

نظریه ولایت‌فقیه پرداخته‌اند. سپس، ویژگی‌های نگاه‌گفتمان‌سازانه، مشتمل بر چهار عنصر ایدئولوژی، هدف، فرایند و نتیجه، را تبیین کرده و رویکرد مزبور را جایگزینی مطلوب، برای رویکرد اخبارگونه موجود دانسته‌اند. نویسندگان معتقدند: مسئله ولایت‌فقیه در وضع موجود، به عنوان پدیده‌ای ایستا به توصیف اخبارگونه آن بسنده شده است. بنابراین، در نگاه آرمانی نویسندگان مقاله، جایگاه ولایت‌فقیه در وضعیت فعلی نظام آموزش و پرورش و حتی در تربیت معلم مطلوب نبوده و نیاز به تجدیدنظر اساسی دارد.

- امین خندقی و دیگران (۱۳۹۴)، میزان تحقق اهداف شناختی برنامه درسی دین و زندگی، مقطع متوسطه و پیش‌دانشگاهی را با استفاده از آزمون‌های پیشرفت تحصیلی چهارگزینه‌ای و تشریحی بررسی کرده‌اند. از آنجاکه اهداف درس‌های یازدهم و دوازدهم کتاب دین و زندگی، پایه سوم متوسطه، با موضوع این فراترکیب مرتبط است، این مقاله در فهرست پژوهش‌های مورد بررسی قرار گرفت. هرچند با توجه به فقدان گزارش تفصیلی یافته‌های پژوهش، وضعیت و جایگاه ولایت‌فقیه، در کتاب‌های درسی مورد بررسی دقیقاً مشخص نشده است، اما ارزیابی کلی پژوهشگران، از میزان نیل به اهداف شناختی درس دین و زندگی پایه سوم متوسطه، نشان می‌دهد از مجموع اهداف این کتاب درسی، که برخی در سطح دانش و بقیه در سطح فهم مورد پرسش قرار گرفته‌اند، سطح دانش نسبتاً محقق شده، ولی سطوح فهم و بالاتر از آن، اصلاً محقق نشده است. بنابراین، بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان گفت: جایگاه ولایت‌فقیه در برنامه درسی دین و زندگی، از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست و نظام آموزش و پرورش رسمی، در تحقق اهداف سطح بالاتر از دانش این برنامه درسی، توفیق چندانی نداشته است.

- آرمند و دیگران (۱۳۹۴)، در مقاله خود به تحلیل محتوای برخی کتاب‌های درسی نظام آموزش و پرورش رسمی عمومی پرداخته‌اند، تا علاوه بر شناسایی وضعیت موجود، در زمینه انتقال ارزش‌های انقلاب اسلامی، راهبرد مناسبی برای نهادینه (درونی) کردن این ارزش‌ها، در دانش‌آموزان ارائه نمایند. یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد که در دوره ابتدایی، بیشترین فراوانی ارزش‌های انقلاب اسلامی، در کتاب‌های «تعلیمات اجتماعی» و کمترین میزان، در درس «هدیه‌های آسمان» بوده است. در دوره راهنمایی، درس «تاریخ»، حاوی بیشترین و درس «تعلیمات اجتماعی»، دارای کمترین میزان واژگان مربوط به ارزش‌های انقلاب اسلامی بوده است. در دوره متوسطه، بیشترین مفاهیم در این زمینه در کتاب «تاریخ» و کمترین موارد، در کتاب «ادبیات» انعکاس یافته است. این پژوهش، همچنین به کاستی‌هایی در برخی عناصر برنامه‌های درسی نظام آموزش و پرورش رسمی، در این زمینه اشاره کرده است.

در این پژوهش، مؤلفه «نقش ولایت‌فقیه در انقلاب اسلامی» در شبکه مفهومی ارزش‌های انقلاب اسلامی آمده که متأسفانه جزئیات بیشتری در خصوص آن گزارش نشده است. بنابراین، جز ارائه اطلاعات کلی یاد شده، کمک چندانی به تحلیل مورد نظر ما نمی‌کند.

– بشیر (۱۳۹۱)، در مقاله خود کتاب‌های درسی مقاطع راهنمایی، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی رشته علوم انسانی را با روش تحلیل گفتمان بررسی کرده، تا محورهای حاکم بر گفتمان مزبور را شناسایی کند. نویسنده، در چارچوب نظریه رشد و تفکر دینی گلدمن و مثلث سه عنصری ون‌دایک، با شناسایی شش محور در گفتمان دینی و عبارات مرتبط با هر یک از آنها در کتاب‌های درسی یاد شده، چنین نتیجه می‌گیرد که بیشترین محور گفتمان دینی مطرح شده، در مورد مسیحیت و مسیحیان و کمترین آنها، در مورد مسائل مربوط به زنان است. وی هرچند معتقد است: مطابق نظر گلدمن، در مقاطع مختلف تلاش شده که مسائل به شیوه آموزش انتزاعی و عینی مورد توجه قرار گیرد، اما کم‌توجهی به برخی موضوعات مربوط به محور گفتمان اسلامی را بیانگر نوعی سوگیری، به حاشیه‌راندگی، تقلیل‌گرایی و ناگفتمانی، در مهم‌ترین بخش آموزش کشور و به شدت قابل تأمل می‌داند. نویسنده در فهرست متون و منابع محور گفتمان اسلامی در مقطع راهنمایی، توجه اسلام به تشکیل حکومت، برای تحقق احکام اسلامی را از کتاب تاریخ سال دوم راهنمایی ۱۳۸۸ برداشت کرده، اما به دلیل غلبه رویکرد کیفی و تعدد موضوعات، گزارش تفصیلی درباره آن نداده است.

– پژوهش پاک‌مهر و دیگران (۱۳۹۵)، با تحلیل محتوای کمی کتاب‌های فارسی (بخوانیم)، هدیه‌های آسمان و مطالعات اجتماعی، پایه‌های اول تا ششم ابتدایی، به دنبال تعیین میزان توجه به آموزه‌های انقلاب اسلامی است. چارچوب نظری این پژوهش، دیدگاه‌های علامه شهید مطهری بوده که بر اساس آن، ۵۰ مفهوم، ذیل ۹ زیرمقاله، تحت چهار مقوله اصلی «عدالت اجتماعی»، «استقلال»، «آزادی» و «معنویت اسلامی»، به عنوان ارزش‌های بنیادین انقلاب اسلامی شناسایی شده و مبنای تحلیل محتوا قرار گرفته است که «حکومت اسلامی» و «رهبری»، به عنوان زیرمقاله‌های «معنویت اسلامی» آمده است.

نویسندگان تصریح کرده‌اند که به جای جملات و مفاهیم پراکنده، مفاهیم و واژه‌ها در متن و پرسش درس‌هایی که به طور مستقیم، به موضوع انقلاب اسلامی پرداخته را واحد تحلیل قرار داده‌اند. همچنین بدون ارائه بیان روشنی از منطق نمونه‌گیری هدفمند، به تحلیل محتوای سه کتاب یاد شده اکتفا کرده‌اند.

همچنین، در گزارش تحلیل محتوا، به درج جداول فراوانی و درصد مقولات چهارگانه اصلی بسنده شده است که این اشاره ضمنی، استفاده از این پژوهش را در فرا ترکیب با محدودیت مواجه می‌کند. با وجود این، بر اساس یافته‌های گزارش شده، مقوله «معنویت اسلامی» در کتاب فارسی ۴۰ درصد، در کتاب هدیه‌های آسمان حدود ۵۸ درصد و در کتاب‌های مطالعات اجتماعی بیش از ۵۷ درصد از فراوانی واحدهای تحلیل مرتبط با مقولات چهارگانه را به خود اختصاص داده است. بر اساس نتایج آزمون مجذور کای، تفاوت میان پرداختن به مقولات چهارگانه، معنادار بوده و بیشترین توجه این کتاب‌ها، به مقوله معنویت اسلامی معطوف بوده است.

در نتیجه‌گیری نهایی پژوهش آمده است که تنها در کتاب فارسی پایه اول، هدیه‌های آسمان پایه پنجم و مطالعات اجتماعی پایه چهارم، دروس اختصاصی در زمینه انقلاب اسلامی وجود داشته است. همچنین در پایان، تحقیق درباره جایگاه ولایت‌فقیه در کتب درسی، به پژوهشگران پیشنهاد شده است.

– جعفرنیا و دیگران (۱۳۹۵)، در این مقاله به تحلیل گفتمان کتاب‌های درسی مقطع متوسطه دربارهٔ ولایت فقیه دست زده‌اند. آنان رویکرد موجود را رویکردی اخبارگونه قلمداد کرده‌اند که در آن، محتوای درسی بر اساس رخدادهای زمانی مرتب شده و روابط ذاتی بین معارف با یکدیگر مورد غفلت قرار گرفته است. همچنین، استفاده از شیوهٔ بیان مستقیم، عدم توجه به مخاطب و شبهات ذهنی او، سطحی‌نگری، تمرکز بر حافظه‌پروری و بی‌توجهی به عمق مطالب، از دیگر کاستی‌های کتاب‌های درسی مورد بررسی، در انتقال نظریهٔ ولایت فقیه دانسته شده است.

پژوهشگران بر اساس الگوی فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، به تحلیل گفتمان نمونه‌ای هدفمند از مطالب کتاب‌های «دین و زندگی»، «علوم اجتماعی»، «جامعه‌شناسی» و «تاریخ»، همهٔ رشته‌ها و پایه‌های مقطع متوسطه و پیش‌دانشگاهی اقدام کرده‌اند و اطلاعات گردآمده را ذیل هشت زمینه موضوعی، برگرفته از دیدگاه‌های امام خمینی علیه السلام، مقام معظم رهبری، آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله مصباح یزدی طبقه‌بندی کرده‌اند.

مهم‌ترین نقطه قوت این پژوهش، بهره‌گیری از رویکرد کیفی و روش تحلیل گفتمان است که اطلاعاتی با جزئیات بیشتر ارائه می‌دهد. بر اساس جمع‌بندی این پژوهشگران، در سطح توصیف، آسیب‌هایی چون جدیت و رسمیت محتوا، بی‌توجهی به جذابیت‌های ظاهری، پیچیدگی‌های نگارشی، بی‌توجهی به بار ادبی و احساسی متن، غفلت از بُعد معنوی فراگیران و عدم بهره‌گیری از استنادات و ارجاعات، در محتوای درسی مرتبط با موضوع ولایت فقیه، در کتاب‌های مورد بررسی وجود دارد.

آنها در سطح تفسیر، به آسیب‌هایی همچون ضعف مخاطب‌شناسی، بی‌توجهی به شبهات ذهنی و سطح رشد و فهم مخاطب، استفاده از بیان مستقیم و مسلسل‌وار، خلاصه‌گویی سطحی، ساده‌اندیشی و ظاهرینیی، فقدان نگاه جامع در بررسی حوادث تاریخی، روزآمد و ملموس نبودن محتوای تهیه شده، ضعف در توجه به پشتوانه‌های عملی و تجربی بحث و توجه اندک به ویژگی‌های شخصیتی امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری و نیز رابطه مودت‌آمیز، میان ولی فقیه و امت اشاره کرده‌اند و در سطح تبیین، رویکرد اخبارگونه را رویکرد غالب کتاب‌های درسی، در ارائه محتوای مربوط به ولایت فقیه دانسته‌اند.

– جعفری هرندی (۱۳۹۱)، در مقاله خود کتاب‌های هدیه‌های آسمان، بخوانیم و تعلیمات اجتماعی را با روش تحلیل محتوای کمی بررسی کرده، تا میزان توجه به مفاهیم مهدوی را در آنها تعیین نماید.

نویسنده، بر پایه تحقیقات پیشین و متون موجود، سیاهه‌ای مشتمل بر ۵۷ مؤلفه مفهومی، در هفت محور، مبنای تحلیل محتوا قرار داده که مؤلفه «ولایت فقیه»، در ضمن مؤلفه‌های محور «دلایل غیبت و اثرات آن» آمده است.

یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد که واحدهای تحلیل (مضامین) مرتبط با ولایت فقیه، تنها دو بار در کتاب فارسی پایه اول، یک بار در کتاب هدیه‌های آسمان، پایه پنجم و سه بار در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پایه‌های سوم و پنجم ابتدایی، شناسایی شده که در برابر ۶۰۷ مورد، مجموع فراوانی واحدهای تحلیل مرتبط با کلیه مؤلفه‌های مفهومی مهدوی، بسیار ناچیز و غیرقابل اعتناست.

- جعفری هرندی و دیگران (۱۳۹۵)، با هدف ارزیابی میزان توجه به مفاهیم مهدوی در کتاب‌های جدیدالتألیف دوره ابتدایی، دست به تحلیل محتوای کمی نمونه‌ای هدفمند، شامل چهار عنوان «هدیه‌های آسمان»، «فارسی (بخوانیم)»، «آموزش قرآن» و «مطالعات اجتماعی»، زده‌اند.

در این پژوهش، سیاهه‌ای در شش محور و مشتمل بر ۶۰ مؤلفه، به عنوان مفاهیم مرتبط با مهدویت، تهیه و روایی‌سنجی شده که وجود مؤلفه «رجوع به علمای دینی»، در محور «انتظارات حضرت از مردم»، به عنوان یکی از ادله ولایت‌فقیه، این پژوهش را نیز در فهرست مقالات این فرا ترکیب آورده است.

یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد که مؤلفه یاد شده، در کتاب‌های فارسی پایه‌های اول تا ششم، ۱/۹ درصد، در کتاب‌های آموزش قرآن این پایه‌ها، ۲/۱ درصد، در کتاب‌های هدیه‌های آسمان پایه‌های دوم تا ششم، ۱/۲ درصد، در کتاب‌های مطالعات اجتماعی پایه‌های دوم تا ششم، ۱/۹ درصد و در مجموع ۲۱ کتاب بررسی شده، ۶۲ مرتبه فراوانی داشته است.

نویسندگان نتیجه گرفته‌اند که میزان بار اطلاعاتی، ضریب اهمیت و نیز توجه به نمادها و مؤلفه‌های مهدویت در کتاب‌های مطالعات اجتماعی و آموزش قرآن، بسیار کم است. در کتاب‌های جدیدالتألیف، نسبت به کتاب‌های قبل، توجه بسیار کمی به این مسئله مهم شده است.

- حکیم‌زاده و دیگران (۱۳۹۴)، در پژوهش خود به شمارش تعداد واحدهای تحلیل، مرتبط با یک سازه مفهومی، شش مؤلفه‌ای در نمونه‌ای هدفمند از مجموعه کتاب‌های دروس معارف اسلامی دانشگاه‌ها پرداخته‌اند که «ویژگی نائبان امام زمان علیه السلام و شرایط حکومت اسلامی در عصر غیبت»، به عنوان یکی از مؤلفه‌های این سازه، بیان دیگری از مؤلفه ولایت‌فقیه است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، از بین پنج کتاب «بینش اسلامی ۲۰۱»، «اخلاق اسلامی»، «آشنایی با انقلاب اسلامی ایران» و «فرهنگ و تمدن اسلامی»، مؤلفه مورد نظر تنها ۴۱ بار در کتاب بینش اسلامی ۲، شناسایی و شمارش شده و در سایر کتاب‌ها، هیچ واحد تحلیلی مرتبط با آن نبوده است. البته باید توجه داشت که واحدهای تحلیل مرتبط با همه شش مؤلفه، ۹۹ مورد گزارش شده است. لذا مؤلفه مورد نظر، حدود ۴۱ درصد مجموع آنها را به خود اختصاص داده است. این امر در جای خود، مهم و قابل توجه است. اما نکته قابل تأمل این است که مطابق گزارش این پژوهش، تنها یک مورد از ۹۹ واحد شناسایی شده در کتاب بینش اسلامی ۱ و بقیه در کتاب بینش اسلامی ۲ بوده و در سایر کتاب‌ها هیچ واحد تحلیلی مرتبط با مهدویت یافت نشده است. نویسندگان چنین نتیجه گرفته‌اند که به‌رغم اهمیت موضوع مهدویت، در کتاب‌های معارف اسلامی دانشگاه‌ها، آن گونه که شایسته و بایسته است مورد توجه قرار نگرفته است.

- خدایار و فتحی (۱۳۸۷)، به بررسی هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره متوسطه پرداخته‌اند که به شناسایی و شمارش فراوانی واحدهای تحلیل مرتبط با چهار مؤلفه اصلی و ۳۰ مؤلفه فرعی انجامیده است.

پژوهشگران در این تحقیق، به تحلیل محتوای کمی تمامی شانزده کتاب درسی تاریخ، زبان فارسی، ادبیات فارسی و جامعه‌شناسی مقطع دبیرستان رشته‌های علوم انسانی، علوم تجربی و ریاضی- فیزیک سال ۱۳۸۶ پرداخته و یافته‌های پژوهش خود را به شیوه‌ای نامأنوس و دشوار در جدولی ارائه کرده‌اند. البته، نمودارهای کلوجه‌ای که در پایان جداول آورده شده، به درک بهتر یافته‌ها کمک بسیاری می‌کند.

بر اساس اطلاعات نمودار شماره ۴ مقاله مزبور، فراوانی شاخصه‌های مربوط به مؤلفه فرعی «ولایت فقیه»، ۳ درصد کل شاخصه‌های مؤلفه اصلی (قلمرو جغرافیایی - سیاسی) را به خود اختصاص داده است. با توجه به روشن نبودن تعاریف، ممکن است برخی مواردی که در ضمن شاخصه نظام سیاسی شمارش شده نیز مرتبط با ولایت فقیه باشد. به هر حال، کتاب مطالعات اجتماعی سال اول، با یک مورد و کتاب تاریخ معاصر ایران سال سوم رشته‌های ریاضی و تجربی با سه مورد، تنها کتاب‌هایی هستند که به این موضوع پرداخته‌اند. نتیجه‌گیری نهایی پژوهشگران این است که مؤلفان کتاب‌های درسی، در انعکاس مؤلفه‌های کلی هویت‌ساز و مؤلفه‌های فرعی آن، موفقیت خوبی داشته‌اند، به گونه‌ای که در ۱۶ جلد کتاب درسی یاد شده، ۵۷ درصد به مقوله فرهنگ، ۲۷ درصد به مقوله تاریخ، ۱۱ درصد به قلمرو جغرافیایی- سیاسی و ۵ درصد به دین و مذهب اختصاص دارد.

- پژوهش خوشی و دیگران (۱۳۹۲)، به موضوع طراحی و تبیین اهداف مطلوب انقلاب اسلامی، در برنامه درسی دروس معارف اسلامی دانشگاه‌ها پرداخته و با مطالعه اسناد و مدارک بالادستی، به اهدافی در هشت محور کلی دست یافته است.

نقطه قوت این پژوهش، ارائه تفصیلی اهداف به دست آمده از اسناد مختلف بالادستی است که در چندین مورد گزاره‌هایی مرتبط با موضوع این فراترکیب دیده می‌شود. مثلاً، یکی از اهداف آموزش عالی در برنامه پنجم توسعه، «وظیفه دولت در خصوص زنده نگه داشتن اندیشه دینی و سیاسی امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری و برجسته کردن آن، به عنوان معیار اساسی در تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و حمایت از پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط با آن» عنوان شده و در ضمن مصوبات نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها، به هدف «تبیین مبانی نظام اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های حضرت امام» تصریح شده است.

پژوهشگران، سپس به طبقه‌بندی اهداف مطلوب در شش مقوله، تحت سه موضوع اساسی (شناختی، نگرشی و ارزشی، و مهارتی) پرداخته، فهرست نهایی اهداف مطلوب پیشنهادی مستخرج از اسناد بالادستی را ارائه داده‌اند که در بین آنها، هدف «تبیین مبانی نظام اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های حضرت امام و مقام معظم رهبری» و هدف «تلاش در جهت نهادینه کردن ارزش‌ها و تحکیم و توسعه ارزش‌های دفاع مقدس و انقلاب اسلامی»، با مفهوم ولایت فقیه کاملاً مرتبط است.

– سهیل رحیمی و دیگران (۱۳۹۴)، در مقاله خود به توصیف و تحلیل آرای امام خمینی علیه السلام و رهنمودهای رهبری، درباره تربیت سیاسی و نقش آن، در پیشگیری از رخنه‌های سیاسی- فرهنگی در انقلاب پرداخته‌اند. آنها بدون اشاره به پیشینه، مستقیماً به سراغ اهمیت و ضرورت تربیت سیاسی رفته، شواهدی از بیانات امام و رهبری در این زمینه آورده‌اند. سپس، سه عنصر شناخت سیاسی، احساس سیاسی و حس شایستگی، که روشن نیست از چه منبعی استخراج شده، را به عنوان ارکان تربیت سیاسی مورد بررسی قرار داده‌اند. در ادامه، به عوامل اولیه و ثانویه جامعه‌پذیری اشاره کرده‌اند. در اینجا نیز مشخص نیست، به چه علت از اصطلاح «تربیت سیاسی»، به «جامعه‌پذیری سیاسی» عدول شده است.

تنها در بخش نتیجه‌گیری، تصریح شده که «جریان مترقی انقلاب اسلامی و اندیشه ولایت‌فقیه، نیازمند آموزش و تربیت صحیح سیاسی است که نسلی به نسل دیگر انتقال یابد... تنها راه بقای ارزش‌ها و تداوم آرمان‌های انقلاب اسلامی، در گرو تربیت سیاسی است». این عبارات، به ضمیمه برخی از تأکیدات امام خمینی علیه السلام بر اصل تربیت سیاسی و بصیرت‌افزایی، که در این مقاله آمده است، می‌تواند در تحلیل نهایی فراترکیب مورد استفاده قرار گیرد.

– رضوی و دیگران (۱۳۸۹)، به بررسی اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی- یادگیری (تدریس) و شیوه‌های ارزشیابی تربیت سیاسی، در برنامه درسی رسمی دوره ابتدایی پرداخته‌اند. روش پژوهش، تحلیل محتوای کمی و کیفی بوده و افزون بر کتاب‌های درسی «تعلیمات اجتماعی»، «فارسی» و «هدیه‌های آسمان»، راهنمای برنامه‌های درسی مربوط نیز بررسی شده است.

اهداف تربیت سیاسی مرتبط با موضوع این فراترکیب شامل «شناخت و توضیح ارکان اصلی حکومت در کشور» و «احترام به نمادها و سمبل‌های وحدت ملی مانند سرود، پرچم، شخصیت و امام و رهبری» است.

یافته‌های این پژوهش در باب محتوای تربیت سیاسی، نشان می‌دهد مضامینی چون «ولایت‌فقیه»، «رهبری (امام و روحانیت)»، «انقلاب اسلامی و پاسداری از آن»، «وظایف و حقوق مردم و حکومت»، «جمهوری اسلامی و حفظ آن»، «تشکیل حکومت»، «حاکمیت و قدرت خدا»، «امام خمینی علیه السلام» و «قوای حکومتی»، مجموعاً با داشتن ۳۸ فراوانی، در برنامه درسی تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی مطرح شده است. همچنین مضامین «خدا، حاکمیت، قدرت» و «امام خمینی علیه السلام» با پنج مورد فراوانی، در شمار مضامین سیاسی برنامه درسی هدیه‌های آسمان این مقطع بوده و همین دو مضمون، به ضمیمه «انقلاب اسلامی» و «رهبری»، جمعاً با هشت مورد فراوانی در فهرست مضامین سیاسی برنامه درسی فارسی دوره ابتدایی قرار دارد. پژوهشگران در جمع‌بندی یافته‌های تحلیل محتوای کمی این سه کتاب، چنین نوشته‌اند: «عمده‌ترین مضامین سیاسی به نمادهای سیاسی،... رهبری،... انقلاب اسلامی و خداوند اختصاص دارد. لیکن مضامینی چون ولایت‌فقیه، انتخاب، مسئولیت،... از منظر تربیت سیاسی در محتوای کتاب‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است» (رضوی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۴۰).

در بخش تحلیل محتوای کیفی، پژوهشگران اظهار داشته‌اند که «در برنامه درسی دوره ابتدایی، تربیت سیاسی چندان مطلوب نیست، لیکن مواردی در ارتباط با آن، در برخی کتاب‌های درسی این دوره دیده می‌شود» (همان، ص ۴۱). نویسندگان در تحلیل راهبردهای یاددهی-یادگیری و روش‌های ارزشیابی محتوای تربیت سیاسی، «روزآمد نبودن محتوا»، «ناهماهنگی دروس مختلف در ارائه محتوا»، «بی‌توجهی یا کم‌توجهی به اهداف تربیت سیاسی در حوزه عاطفی و مهارتی - رفتاری»، «مشکلات نظری کتاب‌ها در تربیت سیاسی با توجه به اندیشه مردم‌سالاری دینی»، «بی‌توجهی به روش‌های اکتشافی و تجارب بین‌المللی در ارزشیابی»، را از مهم‌ترین انتقادات به وضع موجود تربیت سیاسی، در برنامه درسی رسمی دوره ابتدایی دانسته‌اند.

تأکید چندباره نویسندگان، بر نظریه مشروعیت الهی - مردمی حکومت اسلامی و انتساب بدون استناد این نظریه به امام خمینی علیه السلام در حالی است که مشروعیت در حوزه علوم سیاسی، به معنای حق حاکمیت بوده و در کتاب‌ها و مباحث امام خمینی علیه السلام هیچ عبارتی که نظریه مورد ادعا از آن استفاده شود، وجود ندارد. ایشان همواره بر مشروعیت الهی حکومت ولایت فقیه تأکید و تصریح داشته‌اند. همچنین، هیچ دلیل محکم نقلی در اثبات نقش مشروعیت‌بخشی مردم، برای حکومت و حاکم وجود ندارد. کلمات فقهای گذشته نیز چنین ادعایی را تأیید نمی‌کند، بلکه مهم‌ترین نقش مردم در حکومت اسلامی، مقبولیت‌بخشی و زمینه‌سازی برای تشکیل و تحقق حکومتی است که از سوی خداوند مشروعیت دارد (ر.ک: شبان‌نیا، ۱۳۹۵، ص ۷۴-۱۱۶).

- سبحانی نژاد و دیگران (۱۳۹۴)، در مقاله خود به تبیین عوامل مفهومی فرهنگ ایثار و شهادت و تحلیل جایگاه آن، در سند تحول بنیادین پرداخته‌اند. آنها در بررسی منابع و اسناد برای استخراج عوامل مفهومی فرهنگ ایثار و شهادت، از تحلیل محتوای کیفی و برای تحلیل جایگاه این عوامل، در سند تحول بنیادین از تحلیل محتوای کمی و تکنیک آنتروپی شانون بهره گرفته‌اند. بنابراین، این پژوهش در دو بخش کیفی و کمی انجام شده که به نوعی مزیت و نقطه قوت آن محسوب می‌شود. جدول عوامل مفهومی فرهنگ ایثار و شهادت، مشتمل بر ۴۳ عامل مفهومی خرد در قالب چهار عامل کلان است که «اعتقاد به حکومت اسلامی»، «اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه» و «ترجیح منافع نظام بر منافع شخصی»، به عنوان عناصر «ولایت‌مداری» از عوامل خرد زیرمجموعه عامل کلان «صفات عملی ایثار و شهادت» آورده شده است.

تحلیل محتوای کمی سند تحول بنیادین، بر اساس این چارچوب مفهومی، نشان می‌دهد که عوامل یادشده فوق، مجموعاً ۱۷ مورد فراوانی داشته‌اند که از میان آنها، عامل «اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه» با ۱۰ مورد فراوانی در رتبه نخست قرار می‌گیرد. البته با نگاهی به فراوانی‌های سایر عوامل، مشخص می‌شود که در کل سند تحول نیز این عامل از فراوانی بسیار بالاتری برخوردار بوده، در جایگاه سوم قرار دارد.

در نتیجه، هرچند در گزارش ضریب اهمیت و میزان بار اطلاعاتی، به عوامل کلان اکتفا شده، ولی می‌توان استنباط کرد که مسئله ولایت فقیه و اعتقاد به آن در سند تحول بنیادین، به عنوان مهم‌ترین سند بالادستی نظام آموزش و پرورش

رسمی جمهوری اسلامی ایران، حضور بسیار پررنگی دارد. با وجود این، نویسندگان این مقاله با تکیه بر یافته‌های پژوهش خود، توجه نامتوازن سند تحول به عوامل مفهومی فرهنگ ایثار و شهادت را یک کاستی مهم قلمداد کرده‌اند. سیفی و دیگران (۱۳۹۳)، در پژوهش خود، اهداف موجود در اسناد بالادستی، از جمله قانون اساسی، سند چشم‌انداز بیست ساله نظام، سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی، اهداف شورای عالی آموزش و پرورش و راهنماهای برنامه درسی را با اهداف مطرح در خود کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی مقایسه نموده‌اند. بر اساس گزارش این مقاله، جدول اهداف کتاب تعلیمات اجتماعی سال سوم راهنمایی، نشان می‌دهد که دروس پنجم تا نهم این کتاب (اهداف ۲۸، ۴۲ و ۴۳)، به حکومت جمهوری اسلامی، ویژگی‌ها و ارکان آن اختصاص دارد. همچنین، یکی از اهداف پایه سوم مطابق راهنمای برنامه درسی مربوط، «آشنایی با لزوم حاکمیت ولایت‌فقیه و رهبری در اداره کشور» است.

این پژوهشگران، هدف‌های دوره راهنمایی را نیز بر اساس مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش استخراج و در دو بخش اهداف اجتماعی و اهداف سیاسی، دسته‌بندی کرده‌اند. در بین اهداف سیاسی، مواردی چون «شناخت سلسله‌مراتب حاکمیت در نظام جمهوری اسلامی ایران»، «شناخت تفاوت‌های حکومت دینی مبتنی بر ولایت‌فقیه با سایر حکومت‌ها» و «آشنایی با نقش مردم و دین در حکومت»، به چشم می‌خورد.

همچنین، یکی از اهداف سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی (مصوب ۱۳۸۹ دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش)، «زمینه‌سازی برای تکوین تمدن اسلامی-ایرانی با اعتقاد به اصل ولایت‌فقیه» بیان شده است. هدف «پیوستگی مردم و حکومت»، در سند چشم‌انداز بیست ساله نظام و هدف «توجه به ارکان حکومت» در قانون اساسی نیز با موضوع این فرا ترکیب مرتبط به نظر می‌رسد.

یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد که میزان انطباق اهداف سیاسی مصوب با اهداف کتاب‌های مورد بررسی در پایه سوم، بیش از ۸۰ درصد و در پایه‌های اول و دوم، به ترتیب حدود ۱۴ و ۶ درصد بوده است. اما درباره میزان انطباق اهداف راهنمای برنامه درسی با اهداف کتاب‌های درسی، یافته‌های این پژوهش حکایت از انطباق حدود ۹۴ درصدی، در پایه‌های دوم و سوم و ۵۰ درصدی در پایه اول دارد.

بر اساس ارزیابی سیفی و دیگران، میزان انطباق اهداف کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی هر سه پایه با اهداف سیاسی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش، کم بوده است (حدود ۳۶ درصد). آنها یکی از کاستی‌های کتاب‌های درسی را تکیه بیشتر بر اهداف شناختی دانسته، علت آن را استفاده از عبارت «آشنایی» در بیان اهداف برخی اسناد بالادستی معرفی کرده‌اند.

نویسندگان این مقاله، از «همسویی کتاب‌های درسی با دیدگاه انتقال فرهنگی»، «تلقی برنامه درسی به عنوان عامل جامعه‌پذیر کردن دانش‌آموزان» و نیز «تلقین فلسفه مورد قبول حکومت به آنها برای نهادینه کردن ارزش‌ها»، انتقاد کرده و بر لزوم توجه به آموزش و پرورش شهروندی، با تقویت مهارت‌های لازم برای مشارکت دانش‌آموزان، در فرآیند دموکراسی تأکید کرده‌اند.

- شهیدی و دیگران (۱۳۹۲)، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کمی، مؤلفه‌های فرهنگ عمومی در اهداف و محتوای برنامه درسی فارسی (بخوانیم و بنویسیم)، دوره ابتدایی سال ۹۰-۹۱ را بررسی کرده‌اند. چارچوب مفهومی این پژوهش، مشتمل بر چهار بُعد فرهنگی-اجتماعی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی است که هر یک دارای مؤلفه‌هایی هستند. مؤلفه «رهبر» در بعد سیاسی، با موضوع ولایت‌فقیه مورد نظر این فراترکیب کاملاً مرتبط است. بر اساس یافته‌های پژوهش، این مؤلفه جز در کتاب فارسی پایه چهارم ابتدایی، در کتاب‌های فارسی (بخوانیم و بنویسیم)، سایر پایه‌ها حضور داشته و مجموعاً ۱۹ مورد واحدهای تحلیل مرتبط با آن شناسایی شده، هرچند نسبت به سایر مؤلفه‌های این بُعد و سایر ابعاد، فراوانی زیادی نداشته است.

نویسندگان تصریح می‌کنند: «[به] گویه‌های رهبر و هیئت دولت، به ترتیب ۶/۹ و ۰/۳۶ درصد، توجه کمی شده است و با توجه به نقش رهبر، که از طریق ترسیم خط مشی‌ها و برنامه‌های کلان جامعه و محبوبیت و مشروعیتی که دارد... در ارتقای فرهنگ عمومی جامعه تأثیرگذار می‌باشد، باید توجه بیشتری به این گویه برای آشنایی دانش‌آموزان با مؤلفه‌ها و عوامل سیاسی جامعه شود» (شهیدی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۰۱).

- کریمی قهی (۱۳۸۹)، طی مقاله‌ای کتاب‌های درسی تاریخ دوره متوسطه، پیش و پس از انقلاب را از جهت تأثیرپذیری از تحولات سیاسی مهم این دوران، تحلیل و آسیب‌شناسی کرده است. نویسنده، تنها اشاره‌ای گذرا به پیشینه داشته، بدون گزارش روش تحقیق با نوعی تحلیل کیفی غیرروشمند، تنها به گردآوری شواهدی برای اثبات مدعای خود پرداخته است. وی معتقد است: سه تحول مهم (وقوع انقلاب اسلامی، جنگ ایران و عراق و جابه‌جایی قدرت در میان احزاب)، موجب غلبه نگرش سیاسی و ایدئولوژیکی، بر محتوای کتاب‌های درسی تاریخ معاصر، کتمان یا تحریف برخی وقایع تاریخی در جهت تبیین دیدگاه‌های سیاسی و ارزشی جریان سیاسی حاکم، نگرش منفی نسبت به برخی شخصیت‌ها و حاکمیت‌ها، داوری‌های یک‌سویه درباره رخدادهای تاریخی و فقدان نگاهی جامع در بررسی حوادث تاریخی شده است. در نخستین بخش این مقاله، حاکمیت الله، حکومت ولایت‌فقیه، اسلام‌محوری و استعمارستیزی، به عنوان شاخصه‌های ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی ایران معرفی شده است که تغییر کتاب‌های درسی تاریخ متوسطه، به منظور تبیین، نهادینه‌سازی و ترویج این ارزش‌ها، که در تقابل با مبانی ایدئولوژیکی حکومت پهلوی بود، صورت گرفته است (کریمی قهی، ۱۳۸۹، ص ۷۷).

در جای‌جای این مقاله، از آنچه که «برجسته کردن نقش علمای مبارز و بی‌توجهی به نقش دیگر اқشار در مبارزات» خوانده شده، به شدت انتقاد شده است. چنین تحلیل‌هایی، مشابه تحلیل‌های کتب درسی تاریخ قبل از انقلاب و ابزاری برای تبیین دیدگاه‌های ارزشی حاکمیت دانسته شده است. بنابراین، به نظر می‌رسد دو آسیب «غلبه نگرش سیاسی» و «داوری‌های یک‌سویه»، که به این کتاب‌ها وارد شده، به خود این مقاله وارد است.

- مرزوقی (۱۳۸۴)، در پژوهش خود به کارکردهای اجتماعی- سیاسی تعلیم و تربیت، مراحل و ابعاد تربیت سیاسی، نظریه‌های تربیت سیاسی و دیدگاه اسلام در این باره پرداخته است. نویسنده، ویژگی‌های تربیت سیاسی از دیدگاه اسلام را «مذهبی- سیاسی بودن، آزادانه، آگاهانه و از روی میل افراد بودن، لزوم داشتن جنبه عملی و رفتاری و لزوم مبتنی بودن جنبه عملی بر مفهوم جمهوری اسلامی»، دانسته و سپس، به اهداف سیاسی مطرح در طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی، به عنوان اهداف بیانگر جهت‌گیری مورد نظر در تربیت سیاسی از دیدگاه اسلام اشاره می‌کند که نخستین هدف، «تربیت روحیه پذیرش حاکمیت مطلق خداوند بر انسان و جهان و آشنایی با روش‌ها و شیوه‌های اعمال این حاکمیت در جامعه بر اساس اصل ولایت‌فقیه» است.

وی در نتیجه‌گیری، به نقش عوامل غیررسمی تربیت، مثل شرایط کلی جامعه، خانواده، احزاب، گروه‌های سیاسی و رسانه‌ها در موفقیت تربیت سیاسی اشاره می‌کند. همچنین بر لزوم توجه به تربیت سیاسی، در برنامه‌های درسی پنهان، علاوه بر برنامه‌های درسی رسمی و مصوب و نیز بر نقش سایر عوامل و عناصر نظام آموزش و پرورش رسمی، مانند معلمان، مدیران، روش‌های تدریس، فضای فکری- فرهنگی و سیاسی مدرسه در این زمینه تأکید می‌ورزد.

او همچنین، مقطع ابتدایی را بهترین دوره تربیت سیاسی، از نظر اغلب نویسندگان و صاحب‌نظران معرفی می‌کند؛ زیرا شکل‌پذیری هنجارها و ارزش‌های سیاسی در این دوره بسیار جدی است.

- مهربان (۱۳۹۵)، با رویکردی ترکیبی به «تحلیل محتوای کیفی کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان از منظر امر به معروف و نهی از منکر» می‌پردازد. در بخش کیفی، کتاب‌های هدیه‌های آسمان پایه‌های دوم و ششم ابتدایی را برای استخراج مؤلفه‌های مربوط، کدگذاری و مقوله‌بندی کرده، در نهایت به هشت مؤلفه کلی دست یافته است. سپس، با تحلیل کمی محتوای این دو کتاب، فراوانی واحدهای تحلیل مرتبط با این مؤلفه‌ها را شمارش کرده است. در کدگذاری یکی از درس‌های کتاب هدیه‌های آسمان ششم ابتدایی، این کدها دیده می‌شود: «تبعیت از جانشینان امام زمان علیه السلام» و «از جانشینان ایشان، ولی فقیه و مراجع تقلید در دوران غیبت امام زمان علیه السلام». اما این کدها در مرحله نهایی، با کدهای دیگر، که مربوط به جنبه‌های الگویی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، در زمینه امر به معروف و نهی از منکر بوده، ادغام و در گزارش تحلیل محتوای کمی، ضمن یک مؤلفه کلی محاسبه شده است.

- مقاله نجار نهبوندی و قربانعلی‌زاده (۱۳۹۳)، از منظر آموزش هویت ملی، کتاب جدیدالتألیف مطالعات اجتماعی پایه سوم ابتدایی را با کتاب تعلیمات اجتماعی دوره قبل مقایسه کرده است. این پژوهش با رویکردی ترکیبی، به تحلیل محتوای کیفی دو کتاب مورد نظر و شناسایی مؤلفه‌های هویت ملی در پنج بُعد «نمادها»، «ارزش‌ها»، «میراث فرهنگی»، «مشاهیر و شخصیت‌ها» و «وقایع و رخدادها» پرداخته، سپس نتایج تحلیل محتوای کمی گزارش شده است.

جالب توجه اینکه طبق یافته‌های این پژوهش، در بُعد ارزش‌ها، تغییر اساسی در رویکرد مؤلفان دو کتاب مزبور اتفاق افتاده و مضامین مربوط به ارزش‌های سیاسی، به کلی از کتاب جدید حذف شده است. نویسندگان معتقدند: کتاب پیش از تحول (تعلیمات اجتماعی)، به هر پنج بُعد هویت ملی توجه داشته و در مجموع، بیش از کتاب جدید (مطالعات اجتماعی)، به این مسئله پرداخته است. اما در پایان چنین اظهار می‌دارند: «به نظر می‌رسد در کتاب مطالعات اجتماعی دوره تحول بنیادین، سیستم مرحله‌ای در آموزش اجرا شده تا نتایج آموزش‌های این کتاب با مطالب پایه‌های بعدی و یا کتاب‌های موازی هم‌پایه تکمیل شود» (نچار نهاوندی و قربانعلی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۹۹).

وضعیت مقالات از جهت رویکرد و روش

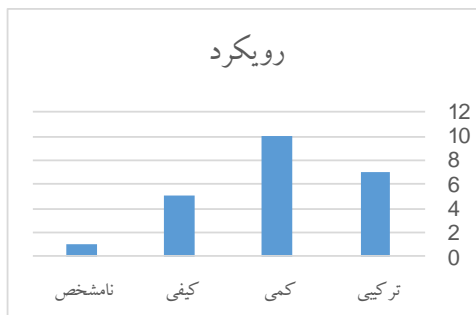
هرچند در توصیف مورد به مورد پژوهش‌ها، کمابیش به رویکرد و روش نیز اشاره شد، اما برای درک و مقایسه بهتر، اطلاعات مربوط به رویکرد و روش پژوهش‌های مورد بررسی، در جدول و نمودار زیر ارائه شده است. نکته قابل توجه اینکه در گزارش زیر، روش پژوهشی که نویسندگان اظهار کرده‌اند ملاک قرار گرفته، هرچند در برخی موارد به نظر می‌رسد، گزارش دقیقی از روش به کار رفته، داده نشده است. اما در خصوص رویکردها، بیشتر مقالات به رویکرد خود تصریح نکرده‌اند، لذا خود به ارزیابی آن اقدام کرده‌ایم.

جدول شماره ۳. فراوانی پژوهش‌های مورد بررسی از نظر رویکرد و روش

رویکرد	روش	فراوانی	کد پژوهش
کیفی	توصیفی - تحلیلی	۲	۱۵،۱۴
	تحلیل گفتمان	۱	۹
	نامشخص	۲	۲۱،۲۰
کمی	تحلیل محتوای کمی	۹	۱۹،۱۳،۱۲،۱۱،۱۰،۸،۷،۶،۱
	پیمایشی	۱	۳
ترکیبی	تحلیل محتوای کمی و کیفی	۴	۲۳،۲۲،۱۶،۴
	تحلیل گفتمان و تحلیل محتوای کمی	۱	۵
	اسنادی و تحلیل محتوای کمی	۱	۱۷
	مقایسه‌ای و تحلیل محتوای کمی	۱	۱۸
نامشخص	نامشخص	۱	۲
جمع کل	-	۲۳	-

خلاصه اطلاعات جدول فوق، در قالب نمودار شماره ۳ ارائه شده است:

نمودار شماره ۳. رویکردهای پژوهش



فرا ترکیب یافته‌ها

پس از ارائه آمار و گزارشات توصیفی، اکنون به ترکیب و تحلیل نتایج پژوهش‌های مورد بررسی می‌پردازیم. نتایج پژوهش‌ها در چند محور قابل دسته‌بندی است:

- جایگاه ولایت‌فقیه در چارچوب‌های مفهومی مرتبط؛
- جایگاه ولایت‌فقیه در قلمرو اهداف نظام آموزش و پرورش رسمی؛
- جایگاه ولایت‌فقیه در کتاب‌های درسی نظام آموزش و پرورش رسمی.

الف. جایگاه ولایت‌فقیه در چارچوب‌های مفهومی مرتبط

بجز دو پژوهش امین خندقی و جعفرنیا (۱۳۹۳) و جعفرنیا و دیگران (۱۳۹۵)، که مستقیماً به موضوع ولایت‌فقیه در نظام آموزش و پرورش رسمی پرداخته‌اند، سایر پژوهش‌های مورد بررسی، این مفهوم را به طور ضمنی، از زاویه‌ای خاص و به عنوان مؤلفه‌ای از یک چارچوب مفهومی، مورد پژوهش قرار داده‌اند.

برخی از پژوهش‌ها، مفهوم «ولایت‌فقیه» را به عنوان یکی از ارزش‌های انقلاب اسلامی بررسی کرده‌اند (آرمند و دیگران، ۱۳۹۴؛ پاک‌مهر و دیگران، ۱۳۹۵؛ خوشی و دیگران، ۱۳۹۲؛ کریمی قهی، ۱۳۸۹)، برخی دیگر، آن را از مؤلفه‌های مرتبط با تربیت سیاسی دانسته‌اند (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۴؛ رضوی و دیگران، ۱۳۸۹؛ مرزوقی، ۱۳۸۹)، دسته‌ای، آن را به عنوان یکی از آموزه‌ها و مفاهیم مهدوی برای پژوهش خود برگزیده‌اند (جعفری هرندی، ۱۳۹۱؛ جعفری هرندی و دیگران، ۱۳۹۵؛ حکیم‌زاده و دیگران، ۱۳۹۴)، گروهی از پژوهشگران، آن را در شمار مؤلفه‌های هویت انقلابی (پروانه، ۱۳۹۴؛ پروانه و دیگران، ۱۳۹۵)، هویت ملی (خدایار و فتحی، ۳۸۷؛ نجارنهادندی و قربانعلی‌زاده، ۱۳۹۳) و یا هویت دینی (ادیب‌منش و پروانه، ۱۳۹۴) مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین، این مفهوم به عنوان یکی از مؤلفه‌های مربوط به تربیت دینی (امین خندقی و دیگران، ۱۳۹۴)، گفتمان دینی (بشیر، ۱۳۹۱)، فرهنگ ایثار و شهادت (سبحانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۳)، فرهنگ عمومی (شهیدی و دیگران، ۱۳۹۲) و امر به معروف و نهی از منکر (مهربان، ۱۳۹۵) مورد بررسی قرار گرفته است.

در نمودار زیر شبکه مفاهیم مرتبط با ولایت‌فقیه در پژوهش‌های مورد بررسی ارائه شده است:

نمودار شماره ۴. شبکه مفاهیم مرتبط با ارزش ولایت فقیه



چنان‌که در نمودار مشاهده می‌شود، مفهوم «ولایت‌فقیه» به عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار و عناصر اصلی مفاهیم مهمی همچون ارزش‌های دینی، انقلابی، سیاسی و هویت‌های متناظر آنها، از جایگاه والایی در بین آموزه‌ها و معارف اسلامی - انقلابی برخوردار است.

از یک سو، به دلیل اینکه آموزه‌های اسلامی - شیعی و از فروع اصل امامت است، با ارزش‌های دینی، هویت دینی، گفتمان دینی، تربیت دینی و آموزه‌های مهدوی گره خورده است. از سوی دیگر، به دلیل اینکه انقلاب اسلامی ایران ماهیتی دینی و ایدئولوژیک دارد و بر پایه ولایت‌فقیه بنیان نهاده شده، در شمار ارزش‌های بنیادین انقلابی و مؤلفه‌های هویت ملی و انقلابی و عناصر مرتبط با آن، نظیر فرهنگ عمومی، فرهنگ ایثار و شهادت و تربیت سیاسی قرار می‌گیرد و در واقع، نقش واسطه‌ای بین آموزه‌های اسلام و انقلاب را ایفا می‌نماید. به نظر می‌رسد، قرار گرفتن ولایت‌فقیه در بین عناصر مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر، از باب وظیفه حکومت اسلامی در اجرای احکام اسلام، پاسداشت ارزش‌های دینی و حفظ جامعه از آسیب ضد ارزش‌ها باشد.

ب. جایگاه ولایت‌فقیه در قلمرو اهداف نظام آموزش و پرورش رسمی

نهاد آموزش و پرورش، با کارکردهای متنوع خود، ابزار مهم تحقق اهداف و مقاصد اجتماعی به شمار می‌رود (همان؛ سیفی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۳۶). به همین دلیل، امروزه نظام‌های سیاسی و حکومت‌ها، این نهاد را مورد حمایت‌های همه‌جانبه سیاسی، مالی و اداری خود قرار می‌دهند (مرزوقی، ۱۳۸۴، ص ۹۴). اهداف آموزشی سطوح مختلفی دارند: «اهداف آرمانی» (Aims) که گزاره‌های کلی برگرفته از فلسفه و نظام اعتقادی - ارزشی جامعه هستند و «مقاصد آموزشی» (Goals) که سطح متوسط اهداف بوده، از اهداف آرمانی نشئت می‌گیرند و خود منشأ و مبنای «هدف‌های جزئی» (Objectives) می‌شوند (سیفی و دیگران، همان).

با اینکه در پژوهش‌های مورد بررسی، مرز دقیق و روشنی برای تشخیص اهداف سطوح مختلف ارائه نشده، اما می‌توان گفت: جایگاه ولایت‌فقیه در سطح اهداف آرمانی را باید در اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی جست‌وجو کرد. همچنین شاید بتوان برخی اهداف مندرج در برنامه درسی و راهنمای برنامه‌های درسی مقاطع مختلف را از اهداف سطح دوم (مقاصد آموزشی) قلمداد کرد؛ زیرا نه آن قدر کلی و بنیادین‌اند که از اهداف آرمانی باشند و نه آن چنان جزئی و رفتاری، که در زمره هدف‌های جزئی به‌شمار آیند.

برای درک بهتر سطوح اهداف، هدف‌های هر سطح در جدول زیر آمده است. برای اختصار و ساده‌سازی، به بیان کد پژوهش (مطابق جدول شماره ۱) بسنده شده است.

جدول شماره ۴. طبقه‌بندی اهداف استخراج شده از پژوهش‌ها

اهداف آرمانی	مقاصد آموزشی	هدف‌های جزئی
<ul style="list-style-type: none"> • توجه به ارکان حکومت قانون اساسی (۱۸) • پیوستگی مردم و حکومت سند چشم‌انداز (۱۸) • زمینه‌سازی برای تکوین تمدن اسلامی- ایرانی با اعتقاد به اصل ولایت‌فقیه سند تحول راهبردی (۱۸) • اعتقاد به ولایت‌فقیه سند تحول بنیادین (۱۷) • تربیت روحیه پذیرش حاکمیت مطلق خداوند بر انسان و جهان و آشنایی با روش‌ها و شیوه‌های اعمال این حاکمیت در جامعه بر اساس اصل ولایت‌فقیه طرح کلیات نظام آموزش و پرورش (۲۱) • وظیفه دولت در خصوص زنده نگهداشتن اندیشه دینی و سیاسی امام خمینی و مقام معظم رهبری و برجسته کردن آن به عنوان معیاری اساسی در تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و حمایت از پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط با آن اهداف آموزش عالی در برنامه پنجم توسعه (۱۴) 	<ul style="list-style-type: none"> • حضور اندیشه‌های امام خمینی و در کالبد محتوای آموزش اصول حاکم بر برنامه درسی و تربیت اسلامی دوره ابتدایی (۱۶) • شناخت سلسله مراتب حاکمیت در نظام جمهوری اسلامی • شناخت تفاوت‌های حکومت دینی مبتنی بر ولایت‌فقیه با سایر حکومت‌ها • آشنایی با نقش مردم و دین در حکومت • اهداف سیاسی راهنمای برنامه درسی دوره راهنمایی (۱۸) • تبیین مبانی نظام اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های حضرت امام و مصوبات نهاد رهبری در دانشگاهها (۱۴) • تبیین مبانی نظام اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های حضرت امام و مقام معظم رهبری • تلاش در جهت نهادینه کردن ارزش‌ها و تحکیم و توسعه ارزش‌های دفاع مقدس و انقلاب اسلامی • اهداف پیشنه‌های برنامه درسی دروس معارف اسلامی دانشگاهها (۱۴) 	<ul style="list-style-type: none"> • احترام به نمادها و سمبل‌های وحدت ملی مانند سرود، پرچم، شخصیت امام و رهبری راهنمای برنامه درسی تعلیمات اجتماعی سوم ابتدایی (۱۶) • شناخت و توضیح ارکان اصلی حکومت در کشور راهنمای برنامه درسی تعلیمات اجتماعی پنجم ابتدایی (۱۶) • آشنایی دانش‌آموزان با لزوم حاکمیت ولایت‌فقیه و رهبری در اداره کشور برنامه درسی تعلیمات اجتماعی سوم راهنمایی (۱۸) • ویژگی‌های حکومت جمهوری اسلامی ایران • نقش رهبر جمهوری اسلامی ایران در اداره جامعه • تفاوت‌های اساسی رهبری در جامعه اسلامی با انواع دیگر رهبری اهداف دروس پنجم تا نهم کتاب تعلیمات اجتماعی سوم راهنمایی (۱۸) • تبیین چگونگی نیابت از امام عصر در عصر غیبت • استدلال بر ضرورت امامت در عصر غیبت • تبیین قلمروهای امامت در عصر غیبت • توانایی بیان شیوه‌های انتخاب ولایت‌فقیه • تبیین تفاوت نظام اسلامی با نظام دموکراتیک • تبیین رابطه میان رهبر و مردم • تبیین تفاوت نظام اسلامی با نظام دموکراتیک • اهداف دروس یازدهم و دوازدهم دین و زندگی سوم متوسطه (۳)

سیفی و دیگران (۱۳۹۳)، در بررسی میزان انطباق اهداف کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی، با اسناد بالادستی، به این نتیجه رسیده‌اند که میزان انطباق اهداف مصوب سیاسی، با اهداف کتاب‌های مورد بررسی در پایه سوم، بیش از ۸۰ درصد و در پایه‌های اول و دوم، به ترتیب حدود ۱۴/۳ و ۶ درصد بوده است. همچنین میزان انطباق اهداف راهنمای برنامه درسی با اهداف کتاب‌های درسی در پایه‌های دوم و سوم، حدود ۹۴ درصد و در پایه اول ۵۰ درصد بوده است.

ج. جایگاه ولایت‌فقیه در کتاب‌های درسی نظام آموزش و پرورش رسمی

در نظام‌های آموزشی متمرکز، مانند جمهوری اسلامی ایران، کتاب‌های درسی به عنوان ابزار اصلی انتقال محتوای برنامه درسی، کارکردی مهم و بنیادی در آموزش دارد (پروانه و دیگران، ۱۳۹۵). بر همین اساس، بیشتر پژوهش‌های مورد بررسی (۱۷ مورد از ۲۳ پژوهش)، به ارزیابی و تحلیل محتوای کمی، کیفی یا ترکیبی کتاب‌های درسی در پایه‌ها و مقاطع مختلف پرداخته‌اند. جداول زیر، عناوین کتاب‌های درسی بررسی شده را به تفکیک پایه‌ها و مقاطع تحصیلی، بر اساس کد پژوهش‌های مربوط نشان می‌دهد. لازم به یادآوری است به علت تغییرات کتاب‌های درسی و نظام مقاطع تحصیلی، امکان تطبیق و مقایسه دقیق نبوده، عناوین کتاب‌های بررسی شده با مسامحه در سال چاپ، مقطع و رشته تحصیلی در جدول آورده شده است.

جدول شماره ۵. کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی مورد بررسی در پژوهش‌ها بر اساس پایه تحصیلی

ششم	پنجم	چهارم	سوم	دوم	اول	پایه تحصیلی کتاب درسی
۱۱-۶	-۱۱-۱۰-۶ ۱۹-۱۶	-۱۱-۱۰-۶ ۱۹-۱۶	-۱۱-۱۰-۶ ۱۹-۱۶	-۱۱-۱۰-۶ ۱۹-۱۶	-۱۱-۱۰-۶ ۱۹-۱۶	فارسی (بخوانیم)
-	۱۹	۱۹	۱۹	۱۹	۱۹	فارسی (بنویسیم)
۲۲-۱۱-۶	-۱۱-۱۰-۶ ۱۶	-۱۱-۱۰-۶ ۱۶	-۱۱-۱۰-۶ ۱۶	-۱۱-۱۰-۶ ۲۲-۱۶	-	هدیه‌های آسمان
۱۱-۶	-۱۱-۱۰-۶ ۱۶	-۱۱-۱۰-۶ ۱۶	-۱۱-۱۰-۶ ۲۳-۱۶	-	-	تعلیمات اجتماعی (شامل تعلیمات اجتماعی و مطالعات اجتماعی)
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	آموزش قرآن

اطلاعات کتاب‌های درسی مقطع راهنمایی، که در پژوهش‌های مورد نظر، تحلیل محتوا شده‌اند، به تفکیک پایه تحصیلی در جدول شماره ۶ آمده است:

فرا ترکیب پژوهش‌های مربوط به نظریه ولایت‌فقیه در نظام آموزش و پرورش ♦ ۲۷

جدول شماره ۶. کتاب‌های درسی مقطع راهنمایی مورد بررسی در پژوهش‌ها بر اساس پایه تحصیلی

سوم	دوم	اول	پایه تحصیلی کتاب درسی
۴	۴-۵	۴-۵	فارسی
۴-۵	۴-۵	۴-۵	تاریخ
۴-۵-۱۸	۴-۵-۱۸	۴-۵-۱۸	علوم اجتماعی
۴-۵	۴-۵	۴	دینی
۴	۴	۴	دفاعی
۴	۴	۴	زبان
۵	۵	۵	جغرافیا

جدول شماره ۷، نشان می‌دهد که در پژوهش‌های مورد نظر، کدام‌یک از کتاب‌های درسی مقطع متوسطه و پیش‌دانشگاهی، تحلیل محتوا شده‌اند:

جدول شماره ۷. کتاب‌های درسی مقطع دبیرستان و پیش‌دانشگاهی مورد بررسی در پژوهش‌ها بر اساس پایه تحصیلی

پیش‌دانشگاهی	سوم	دوم	اول	پایه تحصیلی کتاب درسی
۱۳	۱۳-۴	۱۳-۵-۴	۱۳-۵-۴	ادبیات فارسی
۱۳	۱۳-۴	۱۳-۵-۴	۱۳-۵-۴	زبان فارسی
۱۳-۹-۵	۱-۴-۷-۸-۹-۱۳-	۱-۴-۷-۸-۹-۱۳-	۱-۴-۷-۸-۹-	تاریخ (شامل تاریخ ایران و جهان، تاریخ معاصر ایران و تاریخ‌شناسی)
۱۳-۹-۵	۱۳-۹-۵-۴	۱۳-۹-۵-۴	۱۳-۹-۵-۴	علوم اجتماعی (شامل مطالعات اجتماعی، جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی)
۳-۴-۵-۹-	۳-۴-۵-۹-	۳-۴-۵-۹-	۳-۴-۵-۹-	دین و زندگی
-	۴	۴	۴	دفاعی
-	۴	۴	۴	زبان انگلیسی
-	۵	۵	-	تاریخ ادبیات ایران و جهان

در مقطع ابتدایی، کتاب‌های «فارسی (بخوانیم)»، «مطالعات اجتماعی» و «هدیه‌های آسمان»، بیش از سایر کتاب‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند، در مقطع راهنمایی نیز کتاب‌های «تعلیمات اجتماعی» و در مقطع دبیرستان

و پیش‌دانشگاهی کتاب‌های «تاریخ»، «مطالعات اجتماعی» و «دین و زندگی»، بیشتر مورد توجه پژوهشگران بوده است. در مقطع آموزش عالی نیز کتاب‌های درسی «معارف اسلامی»، برای تحلیل محتوا انتخاب شده است. از آنجاکه در بیشتر پژوهش‌ها، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده، می‌توان گفت: تشخیص اکثر پژوهشگران این بوده که کتاب‌های نام‌برده شامل بیشترین واحدهای تحلیل مربوط به موضوع مورد نظر بوده‌اند. البته در برخی از پژوهش‌ها (برای نمونه، مقاله پاک‌مهر و دیگران، ۱۳۹۵)، منطق روشنی برای این نمونه‌گیری بیان نشده است. به نظر می‌رسد، این نگاه که سایر کتاب‌های درسی مانند ریاضی و علوم، دربردارنده موضوعات ارزشی به خصوص نمادهای ملی و مفاهیم مرتبط با هویت اسلامی- ایرانی نیستند، هم در وضع موجود و هم در وضع مطلوب، نگاه درستی نیست؛ زیرا گاهی در قالب یک مثال یا یک تصویر، می‌توان علاوه بر انتقال مفاهیم ریاضی یا علوم و مانند آن، به انتقال مفاهیم و ارزش‌های اسلامی، انقلابی و اخلاقی نیز پرداخت که اتفاقاً می‌تواند تأثیر عمیق‌تری در ذهن دانش‌آموز داشته باشد.

توجه به این نکته ضروری است که پژوهش‌های آرمند و دیگران (۱۳۹۴)، پاک‌مهر و دیگران (۱۳۹۵) و مهربان (۱۳۹۵)، با توجه به موضوع خود، اشاره‌ای ضمنی به مفهوم ولایت‌فقیه داشته‌اند و در گزارشی که از تحلیل محتوای کتاب‌های مورد بررسی‌شان ارائه داده‌اند، به توصیف آماری مؤلفه‌های عام و کلی بسنده کرده‌اند که به این بخش از فراترکیب کمک چندانی نمی‌کند.

در تحلیل محتوای کمی، یافته‌های مقاله رضوی و دیگران (۱۳۸۹)، نشان می‌دهد محتوای مرتبط با ولایت‌فقیه، در کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی، فارسی و هدیه‌های آسمان مقطع ابتدایی، به ترتیب ۳۸، ۸ و ۵ مورد فراوانی داشته است. عمده‌ترین مضامین سیاسی در این کتاب‌ها، به مواردی از قبیل نمادهای سیاسی، رهبری و انقلاب اسلامی اختصاص دارد، ولی مضمون «ولایت‌فقیه» در محتوای کتاب‌ها کمتر مورد توجه بوده است. جعفری هرندی (۱۳۹۱)، واحدهای تحلیل مرتبط با مؤلفه ولایت‌فقیه را تنها دو بار در کتاب فارسی پایه اول، یک بار در کتاب هدیه‌های آسمان پایه پنجم و سه بار در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پایه‌های سوم و پنجم ابتدایی شناسایی کرده است. مؤلفه «رجوع به علمای دینی»، به عنوان یکی از مفاهیم محور «انتظارات امام زمان عجل‌الله فرجه» از مردم»، ۲۲ بار در کتاب‌های فارسی پایه‌های اول تا ششم، ۲۲ بار در کتاب‌های آموزش قرآن این پایه‌ها، ۹ بار در کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوم تا ششم و ۹ بار نیز در کتاب‌های مطالعات اجتماعی سوم تا ششم ابتدایی فراوانی داشته است (جعفری هرندی و دیگران، ۱۳۹۵). شهیدی و دیگران (۱۳۹۲) نیز مؤلفه «رهبر» را به عنوان یکی از مؤلفه‌های «بُعد سیاسی فرهنگ عمومی»، ۱۹ بار در کتاب‌های فارسی بخوانیم و بنویسیم (جز پایه چهارم) شمارش کرده‌اند. اما هر چهار مقاله، از توجه کم به مؤلفه ولایت‌فقیه یا مؤلفه‌های مرتبط، به عنوان یکی از کاستی‌های وضع موجود برنامه درسی دوره ابتدایی انتقاد کرده‌اند.

هیچ‌یک از مقالات مورد بررسی، به تحلیل محتوای کمی کتاب‌های مقطع راهنمایی نپرداخته‌اند، اما در مقطع متوسطه، پژوهش ادیب‌منش و پروانه (۱۳۹۴)، نشان می‌دهد که از ۹ کتاب درسی تاریخ مقطع متوسطه تألیف شده طی سال‌های ۵۹ تا ۹۲، واحدهای تحلیل مرتبط با مؤلفه ولایت‌فقیه مجموعاً ۳۲ بار وجود داشته است. پژوهش خدایار و فتحی (۱۳۸۷)، در ۱۶ کتاب درسی رشته‌های مختلف مقطع متوسطه نیز تنها وجود یک مورد در کتاب مطالعات اجتماعی سال اول و ۳ مورد در کتاب تاریخ معاصر ایران سال سوم رشته‌های ریاضی و تجربی را نشان می‌دهد. هرچند نویسندگان این دو مقاله، نسبت به وضع موجود جایگاه مؤلفه ولایت‌فقیه، در کتب درسی مقطع متوسطه انتقادی را مطرح نکرده‌اند، اما به نظر می‌رسد قضاوت آنها به طور کلی بوده و وجود مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی این مقطع را در مجموع، رضایت‌بخش دانسته‌اند و در خصوص مؤلفه «ولایت‌فقیه» نظری نداشته‌اند. افزون بر این، واحد تحلیل در پژوهش خدایار و فتحی (۱۳۸۷)، یک درس کامل در نظر گرفته شده و چنین واحد تحلیل بزرگی، جزئیات مهمی را نادیده خواهد گرفت.

بر اساس یافته‌ها، تنها مقاله‌ای که به کتاب‌های درسی نظام آموزش عالی پرداخته، مؤلفه «ویژگی نایبان امام زمان علیه السلام و شرایط حکومت اسلامی در عصر غیبت»، ۴۱ بار در کتاب بینش اسلامی ۲ شناسایی شده است. البته در بین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت (موضوع پژوهش) فراوانی بالایی را به خود اختصاص داده است (حکیم‌زاده و دیگران، ۱۳۹۴). نکته جالب توجه در این مقاله، اینکه در کتاب «آشنایی با انقلاب اسلامی ایران»، برخلاف انتظار، هیچ واحد تحلیلی مرتبط با ولایت‌فقیه شناسایی نشده است (همان).

بیشتر پژوهش‌هایی که رویکرد کیفی را در تحلیل محتوا اتخاذ کرده‌اند، به بیان آسیب‌ها و کاستی‌های محتوای مرتبط با موضوع ولایت‌فقیه، یا موضوعات عام‌تر مربوط پرداخته‌اند. روزآمد نبودن محتوا، ناهماهنگی دروس مختلف در ارائه محتوا، بی‌توجهی به حوزه عاطفی و مهارتی- رفتاری، وجود پاره‌ای مشکلات نظری، بی‌توجهی به روش‌های اکتشافی و تجارب بین‌المللی در ارزشیابی (رضوی و دیگران، ۱۳۸۹)، جدیت و رسمیت محتوا، بی‌توجهی به جذابیت‌های ظاهری، پیچیدگی‌های نگارشی، غفلت از بار ادبی و احساسی متن و عدم بهره‌گیری از استنادات و ارجاعات در محتوای مربوط و نیز ضعف مخاطب‌شناسی، بی‌توجهی به سطح فهم و شبهات ذهنی مخاطب، استفاده از بیان مستقیم، مسلسل‌وار، خلاصه و سطحی (جعفرنیا و دیگران، ۱۳۹۵)، از مهم‌ترین انتقادات پژوهشگران به محتوای برنامه درسی در رابطه با ارزش‌های سیاسی، از قبیل ولایت‌فقیه بوده است. امین خندقی و جعفرنیا (۱۳۹۳)، از وضع موجود توجه به مسئله ولایت‌فقیه، به عنوان پدیده‌ای ایستا انتقاد کرده و رویکرد اخبارگونه محتوای آموزشی را در این زمینه، نامطلوب و ناکارآمد می‌دانند. آنها جایگاه ولایت‌فقیه را در وضعیت فعلی نظام آموزش و پرورش نامطلوب و نیازمند تجدیدنظر دانسته، رویکرد گفتمان‌سازانه را راهکار برون‌رفت از این

وضعیت معرفی می‌کنند. اما نجار نهبانندی و قربانعلی‌زاده (۱۳۹۳)، هرچند در ابتدا حذف مضامین مربوط به ارزش‌های سیاسی را از کتاب جدیدالتألیف مطالعات اجتماعی پایه سوم ابتدایی، نشان تغییر اساسی در رویکرد مؤلفان در بعد ارزش‌های مرتبط با هویت ملی تلقی کرده‌اند، اما در نتیجه‌گیری، این تغییر رویکرد را ناشی از اتخاذ سیستم مرحله‌ای در آموزش می‌انگارند که در آن نتایج آموزش‌های یک کتاب، با کتاب‌های موازی یا مطالب پایه‌های بعدی تکمیل می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

«ولایت‌فقیه» به عنوان یکی از ارزش‌های بنیادین سیاسی، که مبنای نظری حکومت جمهوری اسلامی ایران است، به معنای تشکیل و اداره حکومت اسلامی توسط فقیه عالم عادل مدبر، برای اجرای احکام اسلام، گسترش ارزش‌های اسلامی و اخلاقی و جلوگیری از بروز ضدا ارزش‌ها و مقابله با آنهاست. حکومت ولایت‌فقیه، که مشروعیت (حق حاکمیت) خود را به واسطه امام زمان عجله تعالی فرجه از خداوند متعال گرفته، مقبولیت خود به عنوان لازمه تحقق و تشکیل حکومت را نیز از حضور و پشتیبانی مردم کسب می‌کند. اهمیت این ارزش و جایگاه بلند آن، در بین ارزش‌های سیاسی و انقلابی و نیز ارتباط گسترده آن با چارچوب‌های مفهومی متعددی همچون ارزش‌های دینی، هویت دینی، ملی و انقلابی و مانند آن، لزوم توجه به ولایت‌فقیه را در نظام آموزش و پرورش رسمی، به عنوان یکی از خرده‌نظام‌های تأثیرگذار در ارتقای فرهنگ سیاسی و جلب مشارکت سیاسی، آشکار می‌کند. بنابراین، ارزش سیاسی ولایت‌فقیه نیز برای انتقال به سایر نسل‌ها نیازمند آموزش و تربیت صحیح است؛ چراکه تنها راه بقای ارزش‌ها و تداوم آرمان‌های انقلاب اسلامی، در گرو تربیت سیاسی است (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۴).

این پژوهش، با مرور نظام‌مند مقالات مرتبط، به بررسی جایگاه ولایت‌فقیه در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور پرداخته و دلالت‌هایی را در بین یافته‌های مقالات ۲۳ گانه، که از زوایای گوناگون و با رویکردها و روش‌های مختلف این موضوع را به طور ضمنی یا صریح بررسی کرده‌اند، در خصوص جایگاه آن در قلمرو اهداف و محتوای آموزشی نظام آموزش و پرورش رسمی و چارچوب‌های مفهومی مرتبط، استخراج کرده است. یافته‌های این فراترکیب نشان می‌دهد:

مفهوم «ولایت‌فقیه» در این پژوهش‌ها، در چارچوب‌های مفهومی مختلفی بررسی شده که عبارتند از: ارزش‌های انقلاب اسلامی، آموزه‌های مهدویت، گفتمان دینی، فرهنگ ایثار و شهادت، فرهنگ عمومی، امر به معروف و نهی از منکر، هویت انقلابی، ملی، دینی و نیز تربیت دینی و سیاسی، که بیشترین فراوانی مربوط به «ارزش‌های انقلاب اسلامی» بوده و در پنج پژوهش، ولایت‌فقیه، به عنوان یکی از ارزش‌های انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. این موضوع، افزون بر نشان دادن اهمیت این چارچوب، لزوم توجه به چارچوب‌های مفهومی دیگر را نیز روشن می‌کند.

در قلمرو اهداف نظام آموزش و پرورش رسمی، در همه سطوح سه‌گانه هدف‌گذاری (اهداف آرمانی، مقاصد آموزشی و هدف‌های جزئی)، مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اهداف مرتبط به قدر کافی وجود دارد و اما از لحاظ توازن در توزیع اهداف، در برخی موارد، باید علاوه بر سطوح پایین قلمرو شناختی، سطوح و ابعاد بالاتر نیز خصوصاً در اهداف جزئی مورد توجه قرار گیرد.

در قلمرو محتوای برنامه درسی رسمی و کتاب‌های درسی، برخی از پژوهشگران، با تکیه بر یافته‌های تحلیل محتوای کمی، از کم‌توجهی به برخی اهداف مرتبط با ولایت‌فقیه، در محتوای کتب درسی انتقاد کرده‌اند و وضع موجود را چندان مطلوب نمی‌دانند (ر.ک: امین خندقی و جعفرنیا، ۱۳۹۳؛ رضوی و دیگران، ۱۳۸۹؛ جعفری هرندی و دیگران، ۱۳۹۵). اما نکته قابل تأمل این است که با توجه به تعدد اهداف، انتظار برخی پژوهشگران برای تحقق همه اهداف در همه کتاب‌های درسی، چندان واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد. به علاوه، اینکه آیا بر پایه تحلیل محتوای کمی، می‌توان درباره توجه یا کم‌توجهی نسبت به یک موضوع قضاوت کرد، به لحاظ روش‌شناختی ممکن است مورد مناقشه باشد؛ چراکه ممکن است فراوانی یک واحد تحلیل، نسبت به سایر واحدها زیاد نباشد، اما عبارت‌پردازی‌های نویسنده، زمینه‌سازی و مقدمه‌چینی‌های انجام شده و نیز قوت ادله اقامه شده، بتواند توجه مخاطب را کاملاً جلب کرده، او را برای پذیرش مطلب متقاعد سازد.

بر این اساس، انتظار تکرار فراوانی‌های مربوط در یک کتاب درسی، یا در کتاب‌های درسی موازی یک پایه تحصیلی نیز چندان صحیح نیست؛ چراکه ممکن است بر اساس سیستم مرحله‌ای، هر کتاب درسی در هر پایه، بخشی از اهداف مورد نظر را محقق نماید (نجان‌نهادی و قربانعلی‌زاده، ۱۳۹۳)؛ به گونه‌ای که مانند یک پازل، کتاب‌های موازی یا کتاب‌های پایه‌های بعدی، بخش‌های دیگر را تکمیل کند و مجموع، بتواند اهداف مختلفی را در سطح برنامه درسی قصد شده تحقق بخشند.

با وجود این، نتایج بیشتر پژوهش‌های مورد بررسی، وضعیت رضایت‌بخشی از جایگاه ولایت‌فقیه و مؤلفه‌های مربوط به آن را، به لحاظ کمی و کیفی، در محتوای برنامه درسی نظام آموزش و پرورش رسمی ترسیم نمی‌کند و ضرورت تجدیدنظر اساسی، در محتوا را گوشزد می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. اجمالی بودن اتفاق نظر علما بدین معناست که همه آنها بر این مطلب که فقیه دارای نوعی ولایت است، اتفاق نظر دارند؛ هرچند دیدگاه ایشان درباره گستره این ولایت با یکدیگر متفاوت است.

منابع

- آذری قمی، احمد، ۱۳۷۲، *ولایت فقیه از دیدگاه فقهای اسلام*، قم، مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم.
- افهمی، بنفشه، ۱۳۸۵، «بررسی مضامین و آموزه‌های سیاسی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی»، *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ش ۲، ص ۷-۲۸.
- بوشان، جورج، ۱۳۹۰، *نظریه برنامه درسی*، ترجمه: محرم آقازاده، تهران، آبیژ.
- جعفرزاده‌پور، فروزنده، ۱۳۸۹، «کتاب‌های درسی و هویت ملی (فراتحلیل مطالعه‌های انجام شده درباره کتاب‌های درسی)»، *مطالعات ملی*، سال یازدهم، ش ۲ (۴۲)، ص ۳۱-۵۴.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، *ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت*، تنظیم و ویرایش: محمد محرابی، قم، اسراء.
- حجازی‌فر، سعید؛ رهنورد، فرج‌اله؛ لطیفی، میثم و طاهرپور کلانتری، حبیب‌الله، ۱۳۹۶، «بررسی مطالعات حاکمیت اسلامی در ایران با استفاده از روش فراترکیب»، *مدیریت سازمان‌های دولتی*، دوره ششم، ش ۱، ص ۶۳-۸۲.
- رنجبر، مقصود، ۱۳۸۷، «تربیت سیاسی در چارچوب نظام‌های سیاسی و نظریه‌های مختلف»، *مطالعات فقه تربیتی*، ش ۵، ص ۱۵۵-۱۷۶.
- شبان‌نیا، قاسم، ۱۳۹۷، *سلسله دروس مبانی اندیشه اسلامی ۶: فلسفه سیاست*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- شرف‌الدین، سیدحسین، ۱۳۸۷، «جامعه‌پذیری سیاسی و تربیت سیاسی»، *مطالعات فقه تربیتی*، ش ۵، ص ۱۷۷-۱۹۸.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*، بی‌جا.
- فروتن، یعقوب، ۱۳۹۳، «الگوهای بازنمایی هویت ملی در سیستم آموزشی ایران»، *مطالعات ملی*، ش ۵۷، ص ۳-۲۴.
- فیاض، ایراندخت، ۱۳۸۷، «بررسی فراتحلیلی محتوای کتاب‌های درسی در رابطه با ارزش‌های اسلامی-ایرانی»، *راهبرد فرهنگ*، سال اول، ش ۱، ص ۱۱-۴۰.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ۱۳۸۹، چ نوزدهم، به کوشش: سیدعباس حسینی‌نیک، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- کمالی، یحیی، ۱۳۹۶، «روش‌شناسی فراترکیب و کاربرد آن در سیاست‌گذاری عمومی»، *سیاست*، دوره چهل و هفتم، ش ۳، ص ۷۲۱-۷۳۶.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۴، *حکیمانه‌ترین حکومت؛ کاوشی در نظریه ولایت فقیه*، تدوین و نگارش: قاسم شبان‌نیا، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۸، *ولایت فقیه (حکومت اسلامی)*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- Matsumoto, David (Ed.), *The Cambridge Dictionary of Psychology*. New York, NY: The Cambridge University Press (2009).